

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

## عاملان کشتار خلق کرد باید مجازات شوند

در جریان وقایع خونین سندج ، مردم مبارز این شهر با نثار خون خود و بجاکذاشتن صدها شهید و مجروح ، سد راه توطئه‌های شدند که هدفش سرکوب انقلابیون کردستان و ایجاد هرج و مرج در منطقه بود .

"نشریه کار" سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در این روزهای حساس سه شماره فوق العاده ویژه کردستان منتشر کرد و آخرین خبرها و گزارش‌ها را که در آید به تلوویزیون سانسور شده آگاهی مردم ایران رساند . از آنجائیکه سه شماره فوق العاده کار کرده روز اول فروردین منتشر شد ، به دست همه نرسیده است ، قسمتهائی از مطالب را در این شماره می آوریم .



رزمندگان خلق کرد در سندج در مقابل توطئه خائسانه عناصر ارتجاعی و ارتش جانانه نبرد کردند . آنها ثابت نمودند که برای احقاق حقوق ملی و دیمکراتیک خلق کرد آماده هرگونه فداکاری و جانبازی میباشند .

موضوع گزارش صفحه

## همگام با نیروهای مترقی تاپای جان در کنار خلقها خواهیم بود

مسئله کردستان و حق خلق کرد در تعیین سرنوشت خود در چهار چوب خودمختاری داخلی از جمله مسائلی است که باید با توجه به رویدادهای اخیر پاسخی قطعی و روشن به آن داده شود . خلق کرد مانند دیگر خلقهای ایران پیوسته باستم ملی و استثمار اقتصادی روبرو بوده و زمینه های رشد فرهنگ ملی و توسعه اقتصادی از آنها گرفته شده است . امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته به آن همیشه بمنظور حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود به پایمال کردن حقوق خلقهای میهن ما پرداخته اند .

تجربه های تاریخی نشان میدهد که امپریالیسم از دوران رضا خان بعد برای اعمال سیاستهای ستمگرانه و غارتگرانه خود در میهن ما ابتدا دست به سرکوب خلقها زده است و با ایجاد یک دولت متمرکز وابسته به خود توانسته است برنامه های شراعی عملی کند . امپریالیسم تلاش میکند که خواستهای برحق خلق کرد را در جهت خودمختاری داخلی ، تجزیه طلبی قلمداد کند ، تا بتواند مردم میهن ما را رودر روی هم قرار دهد و هدفهای خود را عملی کند . ماهرگونه برجسب تجزیه طلبی به مبارزات خلق کرد را جزئی از دسیسه های امپریالیسم و عوامل مزدور می داندیم . کسانی که امروز سیاست زور و سرکوب را بر علیه خلقهای کار میبرند ، تنها به امپریالیسم و ارتجاع خدمت میکنند . آنها زمینه همکاری و اتحاد خلقها را از بین میبرند و به اختلافات دامن میزنند . تنها با دادن حق خود مختاری داخلی به خلقهاست که میتوان به هدفهای دیمکراتیک رسید و امروزه تخلقهای ایران را بر علیه امپریالیسم و ارتجاع تحکیم بخشید .

جانبداری از حق خود مختاری داخلی به معنای دامن زدن به گرایشهای گوتة نظرانه ناسیونالیستی و پشتیبانی از این گرایشها نیست . خلق کرد اکنون خواستار آن است که در کنار خلقهای دیگر میهن ما در ساختن ایران آزاد و پیشرفته آینده نقش خود را ایفا کند .

عقب ماندگی اقتصادی کردستان با وابستگی کل اقتصاد ایران مرتبط است . زیرا در اقتصاد کشور ما که کاملاً ناموزون و بی قواره است هیچگونه هماهنگی در زمینه های مختلف اقتصادی وجود ندارد . امپریالیسم تا آنجائی دست به ترکیب اقتصاد گذشته میزند که منافعی ایجاد میکند . از این رو تکامل اقتصادی - اجتماعی همه خلقهای میهن ما در گرو نابودی سرمایه داری وابسته است . بدون از بین رفتن سرمایه داری وابسته همه مبارزات خلقهای ما بی ثمر خواهد بود . امپریالیسم برای بی اثر کردن دست آوردهای جنبش کمونی از چندی پیش دست به یکسری توطئه و دسیسه زده است که جلوه آشکار آن را در وقایع اخیر کردستان به خوبی میتوانیم مشاهده کنیم .

امپریالیسم و ارتجاع از طریق عوامل خود برای مقابله با خواستهای برحق خلقهای ایران و به ویژه کردستان به تجدید سازمان ارتش پرداختند و سرپرستان آنها سیاستهای حساس را در ارتش در دست گرفته و زمینه را برای سرکوب خلقها آماده کردند . عوامل ارتجاعی داخلی به بهانه های مختلف از جمله دفاع از مذهب حمله به نیروهای مترقی را آغاز کردند و حتی فتوای قتل آنها را دادند . امپریالیسم دست نشاندهانش میکوشد به شیوه های مختلف از جمله متوسل شدن به اختلافات مذهبی مسیر مبارزه را منحرف کنند .

### کارگران سخن میگویند

میلیونها کارگر ایرانی باز یچه نیستند

من کارگر کارخانه سیمان آریا هستم . ده سال است کار میکنم و ماهی دوهزار تومان حقوق میگیرم . در این کارخانه حدود ۶۰۰ کارگر و تعداد زیادی مهندس و کارشناس آلمانی کار میکنند که هنوز تعدادی از خارجیهها مشغول کار هستند . بعضی از این هاسد هزار تومان در ماه حقوق میگیرند . چند ماه پیش یکی از همین مهندسها زد توی گوش من . در مملکت خود من . این بدترین خاطره زندگی من است . میخواستم خرخره اش را بجوم اما آن موقع نمیتوانستم . قدرت نداشتم ، چون تنها بودم . اما حالا احساس بقیه در صفحه ۲

### بخشی از اساننامه شورای یک کارخانه

این روزها همه جاسصحت از حفظ دستاوردهای انقلاب میشود . راههای مختلفی نیز برای انجام این مهم پیشنهاد شده است . راهی که خلق ما بسد ان میکوشد ، قاطعترین راه است : ایجاد شورا . هر روز در گوشه و کنار کشورمان شوراهائی بوجود می آید . شورا - های محلی ، شورای هماهنگی اداری ، شورای سربازی شوری دهقانی و شورای کارگری و غیره . "شورای مرکزی انقلاب اسلامی کارخانه تراکتور سازی تبریز" نیز از آن جمله است . بقیه در صفحه ۹

## چرا در فراندوم شرکت نمی کنیم؟

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران لازم میدانند نظر صریح خود را پیرامون فراندوم پیشنهادی دولت موقت به اطلاع همه هم میهنان برسانند . اعتقاد داریم که بررسی همه جانبه مسئله فراندوم و نشان دادن نقاط ضعف آن وظیفه هر نیروی انقلابی است . ماهرگونه دنباله روی از جریانات و حوادث روزمره را بدون آنکه بر یک بررسی انتقادی و تحلیلی استوار باشد محکوم میکنیم و آنرا برخورد غیرمسئولانه و غیرمردمی میدانیم . ما طرفدار آن شکل و محتوی جمهوری هستیم که هر چه بیشتر منافع خلقهای تحت ستم ایران باشد ، نه هیچ چیز دیگری . در اینجانب بحث بر سر نام جمهوری نیست . چه بسا جمهوریهای که نامهای فریبنده ای بر خود بقیه در صفحه ۲

## گزارشی از مبارزات موفقیت آمیز کارگران بیکار شده

- در این شماره
- ۲ کارگران سخن میگویند
  - ۲ قانون کار سابق باید لغو شود
  - ۲ نامه سرکشاده به آیت اله طالقانی
  - ۲ بیانیه آیت اله عزالدین
  - ۸ اخبار کارگری
  - ۳ ادبیات کارگری
  - ۴ نامه یک کارگر
  - ۴ چگونه هشت هلی کوپتر مردم کردستان را به گلوله
  - ۶ اخبار شهزاد و روستاها
  - ۷ قره نی باید محاکمه شود
  - ۷ گزارشی از مبارزات موفقیت آمیز کارگران بیکار
  - ۸ عناصر ضد انقلابی خلق ترکمن را بخون کشیدند
  - ۸ آقای بازگان . معنی این جملات چیست ؟
  - ۹ اخبار خارجی
  - ۹ بخشی از اساننامه شورای یک کارخانه
  - ۱۰ پیام به کارگران مبارز صنعت نفت
  - ۱۰ نامه به بازگان
  - ۱۰ پیام نیروهای هوادار به خلقهای سندج و ترکمن

خیل عظیم کارگران بیکار شده در طی ماههای اخیر ، زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی و سیاسی قرار داشته اند . آنها بارها به طرز پراکنده به وزارت کار و اداره کار با بی و کمیته - های امام رجوع کردند و هر بار با جواب سربالا از طرف مسئولین روبرو شدند . تجربیات فردی و گروهی کارگران طی مبارزات پراکنده با آگاهی انقلابی درهم آمیخت و کارگران به لزوم اجتماعات و تشکل برای حل مشکلات خویش پی بردند . اولین اجتماع کارگران فصلی بیکار شده که عمدتاً کارگران تاسیسات بودند در ساعت ۹ صبح روز ۱۲ اسفند ۵۷ در سالن اجتماعات وزارت کار برگزار شد . بدنبال آن اجتماع دیگری در خانه کارگر برگزار شد که مقدار بیشتری نسبت به جلسه قبل شرکت کرده بودند . به موازات اجتماعات کارگران بیکار شده ، تاسیسات ، کارگران بیکار شده راه و ساختمان نیز فعالیت میکردند . چون هم کارگران تاسیسات و هم راه و ساختمان خواسته های واحدی داشتند ، متفقاً تصمیم گرفتند که برای رسیدن به هدفهایشان جلسات مشترکی داشته باشند . با وجود تمام فقر و نداری ، که در این روزها گریبان گیر کارگران میباشد متجاوز از هزار نفر بطور مرتب در این جلسات شرکت میکردند . هیئت موقت شورای کارگران بیکار شده و کارگران ، پیگیرانه دنبال خواستهای خود را میگرفتند . تا اینکه بالاخره وزارت کار طرح وام بیکاری را ارائه داد . این طرح به دلیل محدودیت های فراوانی که داشت توسط نمایندگان کارگران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و رد شد . بعد از مذاکراتی که بقیه در صفحه ۷

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# کارگران سخن میگویند

میکنم که دیگر تنهاییستم . حالا احساس میکنم که چند میلیون کارگر ایرانی پشت سرم هستند . کارگرانیکه آینده ایران و خلق مابندست آنها - ساخته خواهد شد . کارگرانیکه ضرورت وحدت را احساس کرده اند . حالا در بیشتر کارخانه ها ، شوراهای نمایندگان کارگران انتخاب شده اند . و مشغول درست کردن سندیکاها و اتحادیه ها هستند . اما اگر میخواهیم کارمان درست پیش برود نباید خودمان را به سندیکامحدود کنیم . چون میدانیم سندیکا نمیتواند جوابگوی تمام خواستههای ما باشد . ما باید کارهای سیاسی را جدی بگیریم و خواستههای خود را به مسائل صنفی محدود نکنیم . این را برای این میگویم که تجربه های گذشته تکرار نشود . مادر دوره های گذشته یعنی سالهای قبل از ۱۳۳۲ سندیکاهای رنگارنگ کارگری داشتیم . اما چون کارگران متشکل نشدند و آگاهی طبقاتی بدست نیاوردند و بعنوان نیروی سیاسی عمل نکردند ، نتوانستند "مهر نشان" خود را بر جنبش بزنند . بنابراین مثل "حباب" ناپدید شدند و ضداثبات با کودتای ۲۸ مرداد به راحتی مستقر شد . حرف امروز من اینست که چند میلیون کارگر ایرانی دیگر نباید اجازه دهند که آلت دست این و آن قرار گیرند . ما بجهت نیستیم که به ما "عروسک" بدهند . ما کارگران به جای اینکه توقع داشته باشیم دیگران ما را "به حساب" بیاورند ، باید با وجود آوردن تشکیلات و سازمانهای خودمان ، کاری کنیم که دیگران از ما بخواهند که آنها را به حساب بیاوریم . من بعنوان یک کارگر این اجازه را بخودم میدهم که از جانب همه حجت کشان بگویم ، هیچکس ، در هر مقامی که بخواهد باشد ، حق ندارد "روی کارگران معامله کند" . ما از کسی صدقه نمیخواهیم و به طرف کسی هم دست دراز نکرده ایم . مسئله ما هم مسئله یک تومان و صد تومان و اینچنین حرفها که متاسفانه برای بعضیها هدف اصلی شده ، نیست . ما باید بجای توجه به منافع زودگذر که اغلب حالت "ناز و نوازش" و "بده وستان" دارد به منافع دراز مدت و تاریخی خود بیندیشیم . منافی که آینده ما و آینده خلق ما به آن تعلق دارد .

## قانون کار سابق باید لغو شود

در این شماره بخشی از سخنان رفقای کارگر دربار سندیکا و دیگر مسائل کارگری که از بحثها ، سخنرانی ها و گزارشها جمع آوری کرده ایم نقل میکنیم :

در باره سندیکا :  
نظر یکی از رفقای کارگر این است که : " در هر حال باید متشکل باشیم تا بتوانیم حقوقمان را بدست آوریم . تا بحال هم سندیکاهای واقعی و هم قوی در کارخانه های بزرگی مثل صنعت نفت ، ماشین سازی و تراکتور سازی تبریز درست شد ولی این سندیکاهای وقت می توانند باقی بمانند و به فعالیت ادامه دهند که بین خودشان ارتباط ایجاد کنند و اتحادیه ها را تشکیل دهند . تا هم قدرتشان بیشتر شود و هم پایدار و فعال باقی بمانند .

سندیکالازم است اما به هیچ وجه کافی نیست !  
کارگری بدناله صحبت کارگری میگفت : " رفیق ! وقتی از کارگاه و کارخانه صحبت میکردی ، چنان پیدا بود که گویا از طریق سندیکاهای اتحادیه ها میتوان تمام حقوق کارگر را گرفت . این فکر کاملا اشتباه است البته این را در نظر داریم که سندیکای واقعی بعضی از حقوق ما را میتواند بگیرد ولی نه همه حقوقمان را . همه حقوقمان را فقط با تشکیلات سیاسی طبقه کارگر و مبارزه طولانی میتوانیم بدست آوریم .

(( کارگران فقط خودشان میتوانند مدافع منافع خودشان باشند ))  
تجربه نشان داده است که بجز برخی موارد جزئی ، وزارت کار از خواستههای کارگران دفاع نکرده و همیشه طرف کارفرما را گرفته است . تجربه ۶ سالهای گذشته به کارگران آموخته است که وزارت کار وسیله ایست در دست کارفرما برای فریب دادن کارگران و بخصوص برای جلوگیری از اتحاد کارگران . این دستگاه دروغ پردازی و حیلگری که خود را مدافع منافع کارگران معرفی کرده ، در حقیقت دستگاهی ضد کارگری بوده . همین تجربه های گذشته است که بمانشان میدهد که فقط کارگران خودشان میتوانند مدافع منافع خودشان باشند . فقط اتحاد بین ما میتواند ما را از شر اینهمه زورگویی و قلندری و حیلگری نجات دهد .  
قانون کار سابق باید لغو شود .

کارگری میگوید یکی از مسائلی که باید در سندیکای واقعی مطرح شود ، لغو قانون کار سابق است . قانون کار سابق بدون نظر کارگران تصویب شده و تمام مفاد آن فقط و فقط به نفع کارفرما و سرمایه دار است . چرا مثلا مدیرکل باید ۴ روز در سال تعطیل داشته باشد و من ۱۲ روز . کما ترانهم اسما گفته اند و رسماً تعطیلات خبری نیست .

# چرا در فراندیم ...

گذاشته اند اما اساس ضد خلقی دارند . اساس هر جمهوری "قانون اساسی" آن است نه نام آن . اگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ، مدافع حقوق خلقهای ایران و پاسدار استقلال و آزادی مردم میهن ما باشد ، چه کسی میتواند با آن مخالف باشد ؟ اما آیا بدون تدوین قانون اساسی و روششن شدن محتوی کامل جمهوری میتوان درباره آن قضاوت کرد ؟  
به اعتقاد ما قبل از هر چیز باید نمایندگان واقعی و راستین مردم برای تشکیل مجلس موسسان انتخاب شوند . این مجلس موسسان است که صلاحیت تدوین قانون اساسی و انتخاب یک یا چند نوع جمهوری را دارد و باید آنرا به نظر خواهی (فراندیم) مردم بگذارد . در غیر این صورت طراحان و مجریان فراندیم عملاً مانع شرکت بسیاری از نیروها خواهند شد که میخواهند و حق دارند بدانند به چه امری میدهند .

بعلاوه پیش از انجام هرگونه انتخابات باید حداقل شرایط و اوضاع و احوال مناسب برای برگزاری انتخابات فراهم باشد . بدون وجود شرایط دمکراتیک همه نیروهای انقلابی و سازمانهای رزمنده نمیتوانند آزادانه نظرات و عقاید خود را برای مردم توضیح دهند . هنگامیکه مرتجعین و باز ماندگان رژیم سابق خود سرانه به تفتیش عقاید مشغولند و با تهدید و آزار عاب توهین و تعرض ، جرح و حتی قتل انقلابیون را در معرض شدیدترین فشارها قرار داده اند . زمانیکه از همه وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو تلویزیون و مطبوعات خواسته میشود تا هر چه بیشتر علیه برخی از جریانهای سیاسی تبلیغات سوء و یکجانبه به راه اندازند و اهداف آنها را در نظر مردم مخدوش سازند ...

در شرایطی که رسماً گفته اند از ۲۴ ساعت وقت رادیو تلویزیون فقط چهار دقیقه آنها را با اعمال سانسور در اختیار نیروهای سیاسی دیگر قرار میگیرد ، در شرایطی که حتی میان شهدای خلق نیز تبعیض قائل میشوند و مجلس یاد بود رزمندگان بخون خفته خلق که در راه مردم و میهن جان خود را فدا کرده اند با تحریک عوامل ضد انقلاب به هم ریخته میشوند ، و قتیکه هر روز خبر جدیدی از حمله عناصر مرتجع و ناآگاه به دفاتر سازمانهای پیشرو انقلابی انتشار مییابد ، شرایط دمکراتیک برای نظر خواهی از مردم فراهم نیست .

هنگامیکه دولت موقت نتواند ابتدائی ترین وظیفه خود را که جلوگیری از مداخله سرکوبگرانه جریانهای غیر سیاسی و استبداد طلبانه ضد آزادی است ، انجام دهد ، نمیتواند فراندیم را در شرایط آزاد و دمکراتیک برگزار کند . از این گذشته مردم میخواهند بدانند محتوی جمهوری اسلامی چیست ؟ وضع آنها نسبت به گذشته چه تفاوتی خواهد کرد ؟ وضع کارگران چه خواهد شد ؟ آیا حقوق دمکراتیک و آزادی سیاسی مردم تضمین خواهد شد ؟ آیا امپریالیزم را از ایران اخراج خواهند کرد یا همچون امروز انقلاب در نیمه راه رها خواهد شد ؟ برای نفوذ سلطه مجدد امپریالیزم باز خواهند ماند ؟ به راستی که هیچ کس از محتوی و مضمون جمهوری اسلامی اطلاع ندارد . گذشته از اینها نحوه برگزاری فراندیم و طرح این سؤال که با جمهوری اسلامی موافقت یا خیر و اگر موافقت نیستید طرفدار سلطنت شناخته خواهید شد توهین به انقلاب خلق است . خلقهای قهرمان ما رژیم سلطنتی و همه طرفداران مزدور آنرا در نبردی خونین شکست داده اند . سلطنت طلبان دشمنان خلقند و به هیچ وجه حقی در تعیین سرنوشت خلقهای ایران ندارند . مردم در جریان قیام خونین خود متحدان زحار و تنفر خود را از رژیم پوسیده سلطنتی اثبات کردند . در این راه تمام خلق به پا خاستند و بانکیه بر قهر انقلابی و بانجام خشم ، رژیم کثیف شاهنشاهی را برای همیشه به گور سپردند . مردم با خون خود و تنهایی مخالف خود بلکه ننگ و نفرین ابدی خویش را نسبت به رژیم شاهنشاهی ابراز داشته اند .

قیام خونین ۳۷ میلیون خلقهای متحد ایران قاطعترین و وسیعترین سند نفی است که بتواند از منافع همه خلقهای ایران دفاع کند ، این توهین به مردم است که به آنها گفته شود اگر با جمهوری اسلامی موافقت نیستید سلطنت طلب هستید . این دیکتاتوری محض است که انقلابیون را که در راه سرنوشت رژیم مغز پادشاهی از جان خود گذشته اند ، بخاطر آن که خواهان نوع دیگری از جمهوری هستند ، در کنار مزدوران رژیم منفور سلطنتی گذاشته شوند .

بنابراین از آنجاکه معتقدیم باید عالماً و عامداً و با آگاهی کافی به جمهوری مورد نظر خود رای مثبت دهیم ، و این تنها پس از تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی میسر است . از آنجاکه معتقدیم هر نوع نظر خواهی از مردم باید در شرایطی کاملاً آزاد و دمکراتیک صورت گیرد ، و فعلاً دولت قادر به تضمین آزادی های سیاسی برای همه نیروها نیست و گامی هم در این جهت بر نمیدارد از آنجاکه معتقدیم طرح سؤال فراندیم بصورت آیا جمهوری اسلامی را قبول دارید یا نه یکجانبه و مستبدانه است . باید برخلاف فرصت طلبان و دورویان ، صادقانه و صراحتاً به مردم میهنمان بگوئیم در این شرایط در فراندیم پیشنهادی دولت شرکت نمیکنیم .

از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به :

مجاهد عالیقدر

# آیت الله طالقانی

در جریان مبارزه آزادیبخش خلقها ، لحظاتی پیش می آید که تصمیمات درست و بجای رهبرانیکه به عمق نیازهای مردم واقفند میتواند از یو پادشاهای ناگوار جلوگیری کند و راهگشای حل دشواریها باشد . هفته گذشته یکی از این لحظات در گوشه ای از میهن خونین ما پیش آمد و چه بجای موقع مأموریتی خطیر را پذیرفتید . هر چند که مفرضان کوشیدند با سببها و اخبار جعلی شما را از درک عمیق و درست حوادث کردستان بازدارند اما سوابق و تجارب مبارزاتی شما ، که زندگی خود را وقف مبارزه در راه آرمان مردم کرده اید ، بصورت قاطعترین وسیله برای خنثی کردن توطئه ها و شناخت درست از نادرست جلوه گر شد . شما با تماس مستقیم با مردم داغ دیده سنج و با مجروحان حوادث کردستان ، ریشه دردهای خلق کرد و علل حوادث ناگوار اخیر را باز شناختید و در گفتگو با مردم اذعان داشتید که نفاق افکنی میان مردم و سرکوب مردم توطئه ایست که از جانب امپریالیزم و عوامل مرتجع آن طرح ریزی شده است . شما برای از بین بردن اختلافات و حل مسئله کردستان همه مساعی خود را به کار گرفتید و حتی راه حلهایی نیز پیشنهاد کردید که حاکی از علاقه و افرتان به حل مشکلات مردم بود .

ما با راه گفته ایم جنگ داخلی آتشی است که امپریالیزم و ارتجاع به آن دامن میزنند ، بخوبی آگاهی و برخورد مثبت شما را مسئله درک میکنیم . پشتیبانی شما از طرح پیشنهادی " شورای موقت انقلاب سنج" میتواند راهگشای حل دشواریهای مردم کردستان باشد .

ما امیدواریم حسن نیت شما سر مشقی برای آنها باشد که نمیخواهند و با اگر خوشبینانه بگوئیم نمیتوانند برخوردی راهگشایانه با مشکل خلقها و بویژه خلق کرد داشته باشند .

ما امیدواریم در راه اجرای پیشنهادات منطقی شما هیچگونه کارشکنی از طرف کسانی که با سیردن کار خلقها به خودشان و ایجاد زمینه خود مختاری خلقها - که حق مسلم آنهاست - منافسان در خطر بیفتند ، صورت نگیرد . تردید نداریم که شما این موضوع را درک میکنید که امحاء ستم دوگانه ای که برای خلق دلیر اعمال شده نیاز به اقدامی انقلابی داشته و دارد و بدین جهت یک بار دیگر بر اهمیت اقدامات ارزنده شما تاکید کرده و موفقیت شما را در راه خدمت به خلقهای ایران آرزو میکنیم .

با درود فراوان - سازمان چریکهای فدائی  
۱۳۵۸/۱/۷ خلق ایران

## بیانیه آیت الله عزالدین حسینی رهبر خلق کرد

بسم الله الرحمن الرحيم  
مردم آزادخواه و مسلمان ایران ، خلق مبارز کرد ، جامعه اهل تسنن .  
با بلاغ سلام و درود مراتب زیر جهت اطلاع عموم اعلام میگردد . ضمن تأیید اهداف انقلاب راستین ملت شریف ایران و اعتقاد راسخ به مبانی و اصول اساسی اسلام ، چون محتوی جمهوری اسلامی مبهم و نامعلوم است و بویژه از نظر حق تعیین سرنوشت مسئله خود مختاری کردستان در چهار چوب ایرانی آزاد و حقوق حقه سایر خلقها نامشخص میباشد ، بنابراین تا زمانیکه رسماً جواب قطعی در این مورد از طرف دولت و شورای انقلاب اسلامی ایران اعلام نگردد ، شخصاً از شرکت در فراندیم خودداری نموده و مردم نیز باتوجه به مسئولیتهای ملی و مذهبی خود آزاد و مختارند . والسلام علیکم ورحمهاله و برکاته .  
سیدعزالدین حسینی امام جمعه مهاباد  
۵۸ / ۱ / ۷



### تشکیل شورای کارگری ضمن تحصن

لاهیجان - کارگران شرکت ملای از روز ۲۳ اسفند تا ۲۵ اسفند به تحصن نشستند و از ابتدای تحصن کارفرما، حسابدار کارگاه و مهندس کارگاه را در کارخانه زندانی کردند. این کارگران ضمن تحصن یک شورای کارگری تشکیل دادند و طی قطعنامه‌ای خواسته‌های خود را اعلام کردند که به دریافت کلیه خواسته‌هایشان نائل آمدند. مهمترین خواسته‌های آنها عبارت بود از:

- دریافت حقوق یک تاسه ماه بیکاری، پرداخت حقوق روزهای جمعه و روزهای تعطیل (در این روزها کارگران بدون دریافت حقوق کار می‌کردند)، باز پرداخت پولهای جریمه و قطع هرگونه جریمه در آینده، پرداخت دستمزد اضافه کاری (ماه‌التفاوت بین هشت ساعت کار باده ساعت کار) پرداخت پاداش وعیدی، خواربار و حق مسکن بزرگشت دادن پول بیمه و مالیات، ضمانت تحصن مذکور و پس از تشکیل

شورا موارد زیر نیز با تائید کامل کارگران و کارکنان به امضاء رسید:

- ۱- فقط نماینده کارگران میتواند با کارفرما صحبت کند و مشکلات فقط بوسیله نمایندگان مطرح شود.
- ۲- کارگران باید نظرات و پیشنهادهای نمایندگان را بپذیرند و با توافق خود کارگران در تصمیم گیری شرکت کنند.
- ۳- رعایت مقررات شورای کارگری بوسیله همه کارکنان و کارگران شرکت الزامی است.
- ۴- کارگران تصمیمات اتخاذ شده از طرف نمایندگان واقعی خود را پس از رسیدگی و شور به مرحله اجرا میگذارند.
- ۵- پیروی از نمایندگان و تصمیمات اتخاذ شده از طرف همه کارگران و کارکنان الزامیست.
- ۶- نمایندگان حق تصمیم گیری فردی به هیچ وجه ندارند.

### برای مبارزه باید آماده شد

گیلان

کارگران شرکت پبسا طی تحصن قطعنامه‌ای صادر کردند که در آن از شیوه‌های قبلی کارفرما و عدم آگاهی کارگران از شکل مشکل مبارزه سخن گفته‌اند و ضمن اشاره به حقوق پایمال شده‌شان چنین توضیح دادند: کارفرما حق بیمه را کم می‌کرد و دود فترجه بیه در اختیار ما قرار می‌داد، نماینده اداره کار هرگز به ما سرزند (.....) ما از کارفرما به اداره کار شکایت می‌کردیم و نماینده استیم که اداره کار جای کار فرمایان است نه کارگران. ما آنقدر زیر ستم بودیم که حتی فرصت اینکه به دوروبر خود بنگریم و از اوضاع دنیا باخبر شویم نداشتیم. از قوانین کار اطلاعی نداشتیم، نمیدانستیم سندیکا و حق مسکن و حق خواربار چیست؟ اگر کارگری میخواست از کارگردیگری دفاع کند کارفرما به او میگفت تو حق خود را ثابت کن نه حق دیگران را. کارفرمایان همیشه سعی می‌کردند کارگران را جاهل از هم نگاهدارند و غارتشان کنند. ولی ما اکنون به قدرت اتحاد خود پی بردیم. درک کردیم

- ۱- برگرداندن تمام کارگران اخراجی بر سر کار.
- ۲- پرداختن حقوق ایام بیکاری بکارگران اخراجی.
- ۳- برگشت دادن پول بیمه و مالیات به کارگران.
- ۴- پرداخت حقوق روزهای جمعه و روزهای تعطیل.
- ۵- برگشت دادن پول جریمه و قطع هرگونه جریمه.
- ۶- پرداخت دستمزد اضافه کاری بابت ماه‌التفاوت ساعت کار.

\*\*\*

### خلاصه اخبار

آبادان - بیمانکاری فاسترویلر تهران جنوب "مجلس همانجاست که مردم هستند".

کارگران صنایع فولاد اهواز طی نامه ای خطاب به کارفرمای فاستر ویلر تهران جنوب خواسته‌های خود را اعلام کرده‌اند. این نامه با جمله معروف دکتر مصدق "مجلس همانجاست که مردم هستند" آغاز شده است.

در این اعلامیه کارگران با تکیه بر سخنرانیهای آیات عظام خواستار کاهش ساعات کار خود شدند و به این امر اشاره کردند که "نظریه اینکه قانون هشت ساعت کار در روز و چهل ساعت کار در هفته در اغلب کارگاهها و کارخانجات کشور اجرا می‌شود و پیروزی انقلاب و ادامه آن در جهت محو استثمار انسان از انسان به پیش می‌رود" لذا هرگونه تاخیری در این امر نشانه عقب ماندگی عمده نشانه فقر فکری است. در پایان نامه نیز توضیح داده‌اند که "ما کارگران فاسترویلر تهران جنوب خواستار تعطیل فوری پنجشنبه هامیباشیم". این نامه توسط هزار کارگرمضاء شده است.

### موفقیت کارگران توسط شورا

اهواز - کارگران و کارمندان شرکت کیسون در منطقه کارون اهواز موفق شدند با ایجاد تشکل و یکپارچگی، خواسته‌های برحق خود را از کارفرما بگیرند.

شورای نمایندگان کارکنان کارگاه که باره‌ای خودشان انتخاب شده بود در خواست های آنها را نماندیده کارفرما مطرح کرده و کلیه کارگران و کارمندان بطوریکه چاره از آنها دفاع کردند. در شورای نمایندگان از گروه های کارگران ساده، کارگران فنی و کارمندان جمعا ۶ نفر انتخاب گردیدند، قبلا " برای این انتخابات ضوابطی به تصویب کلیه افراد رسیده بود.

مهمترین درخواستهایی که موفق به کسب آن شدند به قرار زیر است:

- ۱- تقلیل ساعات کار روزانه به ۸ ساعت.
- ۲- در روز تعطیل در هفته (جمعا) ۴۰ ساعت کار.
- ۳- برای ساعات کار اضافه ۲۵٪ اضافه دستمزد پرداخت شود (علیرغم قانون کار موجود این قاعده در کارگاههای ساختمانی رعایت نمیشد).
- ۴- در برابر کار در روزهای تعطیل ۱۲۵٪ در صد اضافه دستمزد.
- ۹- اخراج کارگر و کارمند باید با تأیید شورای کارگاه صورت پذیرد.

### دفاع از حقوق عقب افتاده کارگران

کارخانه " جین مد " امل - فشار سندیکی کارگران، قول داد که کلیه مطالبات عقب افتاده کارگران را بپردازد. ولی در موعد مقرر کارفرما به قولی که داده بود عمل نکرد.

شورای منتخب کارگران اجبارا در روز ۲۹ اسفند تصمیم به فروش تولیدات کارخانه گرفت و مبلغ هفتاد هزار تومان حاصل از فروش را بین کارگران تقسیم کردند.

کارخانه درج - جاده کرج - چهارشنبه ۲۴ اسفند - کارگران شرکت ارج بعنوان اعتراض به میزان سود ویژه بطور دسته جمعی به ساختمان امور اداری شرکت هجوم آوردند. بین کارگران و مدیران شرکت از جمله قائم مقام مدیرعامل برخورد و درگیری شدیدی پیش آمد که منجر به مجروح شدن تعدادی از افراد دیگر دید. به دنبال درگیری مسئولان کارخانه از نخست وزیری و کمیته امام استمدا د طلبیدند. سرانجام مدیران شرکت مبلغ دو میلیون و پانصد هزار تومان به میزان سود ویژه افزودند تا بدینوسیله تا اندازه‌ای رضایت کارگران را جلب نمایند.

ضمنا لازم جهت ذکر است که در این کارخانه اکثر مدیران شرکت از جمله مدیرعامل شرکت به خارج فرار کرده‌اند.

کارخانه لیفت تراک تبریز - کارگران کارخانه لیفت تراک سازی سهند وابسته به ماشین سازی تبریز حقوق خود را گرفتند.

کارگران این کارخانه با افشاگری کارشناسی مدیرعامل و حفظ ارتباط مداوم با دیگر کارخانجات از طریق اعزام نماینده به آنجا توانستند حقوق خود را به شرح زیر از کارخانه بگیرند:

- ۱- دریافت ۷۰۰۰ تومان علی الحساب از بابت سود ویژه وعیدی.
- ۲- عدم کسر معادل نصف حقوق که شهر بهر ماه به آنها پرداخت شده بود.
- ۳- عدم کسره ۱٪ تعاونی.

### کارگران ۱۰ میلیون تومان سود ویژه خود را گرفتند

رشت - کارگران کارخانه ریسنده گی رشت وابسته به گروه صنعتی خاور و کارگران کارخانه فومنا ت وابسته به همین گروه توانستند به بخشی از خواسته‌های خود دست یابند.

از چندین هفته قبل مذاکراتی بین شورای انتخابی کارگران و رئیس کارخانه، درباره سود ویژه آغاز شد. از طرفی کارگران کارخانه فومنا ت نیز که وابسته به این کارخانه است و در نزدیکی آن قرار گرفته است. کارگران خواستار دست یافتن به حقوق خود شدند. در هر کارخانه، بعلت عدم رسیدگی به خواسته‌های کارگران، کارگران بعنوان اعتراض رئیس کارخانه و کلیه مهندسان را بازداشت کردند. سرانجام طی مذاکراتی چند با استناد ر و کمیته امام و بعلت تصمیم قاطع کارگران در دریافت خواسته‌هایشان یا خواسته‌های آنها موافقت شد و کارفرما موافقت کرد که چهار میلیون تومان سود ویژه کارخانه رشت و ۶ میلیون تومان سود ویژه کارخانه فومنا ت داده شود. ضمنا کارگران خواستار برکناری مدیر کل کار نیز شدند.

### (( موفقیت کارگران د خانیات ))

کارگران شرکت د خانیات ایران در خیابان قزوین روز یکشنبه ۲۸ اسفند بعنوان اعتراض به شرایط خود دست نیافتن به خواسته‌های خود که عبارت از پرداخت طلبهای قبلی و اضافه دستمزد و غیره بود رئیس بخش سیگارت سازی را بازداشت کردند. عصر همان روز نماینده کمیته امام برای انجام مذاکرات به کارخانه آمد ولی کارگران چون نتوانستند با نماینده کمیته امام به توافق برسند فردای آنروز به تحصن نشستند. سرانجام پس از اینکه کارفرما با خواسته‌هایشان موافقت کرد تحصن را شکستند.

اهواز - حدود ۸۰۰ نفر از کارگران ماشین سازی - پارس از روز دوشنبه دست از کار کشیدند و خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده خود بمدت ۲۵ روز و تعطیل روز پنجشنبه شدند. ابتدا کارفرما به بهانه باز نبودن گاو صندوق مهلت میخواست ولی با تصمیم یکپارچه قاطع کارگران مبنی بر ماندن در کارخانه و اصرار در خواستشان سرانجام تسلیم شده و حقوق هفتاد کارگران را میپردازد و بابت تعطیل پنجشنبه موافقت میکند.

اهواز - یکشنبه ۲۸ اسفند کارگران شرکت تهیه لیاف ویلی اکریل ایران پس از دوروز تحصن و نگاهداشتن مدیرعامل کارخانه در اداره مرکزی تهران بخشی از خواسته‌هایشان را بدست آوردند و موفق شدند ده میلیون تومان بابت حقوق عقب مانده و مزایای خود دریافت کنند.

رشت - کارگران شرکت پوپلیسین شوراهای کارگری خود را تشکیل دادند و قرار است عده‌ای از کارگران اخراجی این شرکت توسط این شورا به کار گمارده شوند.

کارگران شرکت بانه در کیلومتر ۶ بابل - شاهی از روز ۲۳/۱۲/۵۷ در فرمانداری متحصن شدند.

روستائیان یکی از روستاهای کیلومتر ۶ بابل شاهی امروز در اداره کشاورزی بابل بست می نشینند و خواستار آن هستند که بانک کشاورزی به آنها وام بدهد.

# فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

# پیوند هنر با واقعیت

رفقای کارگر

در صحبت‌های قبلی به این نتیجه رسیدیم که هنر و ادبیات کارگری و مردمی پیوند نزدیکی با واقعیت دارد. در اینجا لازم است دوباره توضیح بدهیم.

اول اینکه هنر و ادبیات چه کارگری باشد چه غیر کارگری، به هر حال نوعی ارتباط با واقعیت دارد. مگر اصولاً آدم میتواند چیزی را خلق کند که هیچ نوع ارتباطی با واقعیت نداشته باشد؟ این چیزی که با واقعیت ارتباط ندارد کجاست؟ ممکن است بگوئید آدم از تخیل خودش از فکر و خیال و تصورات خودش کمک میگیرد. و چیزی را خلق میکند، مثل دیو و جن و پری و اینطور چیزها که توی قصه‌های آبدولی در واقعیت وجود ندارد. اما شما یک دیو خیلی عجیب و غریب را که در شاهنامه و یادرامیراسلان و قصه‌های دیگر آمده، در نظر خودتان مجسم کنید. فرض کنید این دیو شاخ و دم و چنگاله‌های دراز و دندانهای بلند و تیز و خصوصیات عجیب و غریب دیگری داشته باشد. چنین دیوی در واقعیت وجود ندارد. اما اگر شما خوب دقت کنید، می بینید هر قسمتی از بدن او به هر حال به نوعی از واقعیت گرفته شده است. شاخ، دم، چنگال و بقیه چیزهایی که او دارد همه در جانوران و در طبیعت هم عیناً یا با کمی تفاوت وجود دارد. یا مثلاً یک تالسموی نقاشی خیلی مدرن را در نظر بگیرید و ببینید که توی بعضی نمایشگاهها دیده میشود فقط از یک مقدار اشکال و خطوط و رنگهای درهم و برهم تشکیل شده. شما هر قدر به این تابلو نگاه کنید از معنی آن سردر نخواهید آورد. و هیچ رابطه‌ای بین آن و واقعیت نخواهید یافت.

اما اگر به اجزاء مختلف این تابلو جداگانه نگاه کنید خواهید دید که تمام آن اشکال خطوط و رنگها در طبیعت و در واقعیت وجود دارند. هر شکلی به هر حال در بین اشکال هندسی پیدا میشود که آنها هم از طبیعت گرفته شده‌اند. پس کاریکه هنرمند کرده این بوده که واقعیت را تغییر داده و جابجا کرده و در آن دخل و تصرف کرده. مثلاً شاخ گوزن و دم گاو را وصل کرده به بدن خروس و یک موجود غیر واقعی به وجود آورده. بنابراین هر چیزی هم که در تخیل انسان شکل میگیرد باز در اصل از واقعیت گرفته شده است. هنر و ادبیات هم، در هر شکل خود، رابطه‌ای با واقعیت دارد. اما نوع این رابطه فرق میکند. این رابطه میتواند خیلی نزدیک یا خیلی دور باشد. بعضی هابه واقعیت روی می‌آورد و در نتیجه "واقع‌گرا" یا "رئالیست" هستند ("رئال" یعنی "واقعی" و "رئالیست" یعنی "واقعی" و "واقع‌گرا" یا کسی که به واقعیت گرایش دارد). بعضی هاهم از واقعیت فرار میکنند و در نتیجه "واقع‌گریز" یا "ضد رئالیست" نام گرفته‌اند. این فرار از واقعیت ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد ولی معمولاً کسانی از واقعیت فرار میکنند که از آن خوششان نمی‌آید یا آنرا با منافع خودشان در تضاد می‌بینند و در ضمن هیچ راه حلی هم برای اصلاح آن نمی‌شناسند و امید می‌دهند که بهتر شدنش ندارند. ما فعلاً باین گروه و با ادبیات و هنر آنها کاری نداریم. چون قبلاً برای ما روشن شده بود که هنر و ادبیات کارگری، "واقع‌گرا" و "رئالیست" و دارای پیوند نزدیک با واقعیت است.

و اما نکته دومیکه باید توضیح بدهیم، هنر، چیزی بیشتر از واقعیت است. تاکید ما روی این موضوع که هنر و ادبیات کارگری پیوند نزدیکی با واقعیت دارد، ممکن است این سؤال را پیش بیاورد که آیا بنابراین خود - واقعیت، غالبترین شکل هنر و ادبیات کارگری نیست؟ و آیا چه تفاوتی بین

واقعیت و هنر وجود دارد؟ چرا به خود واقعیت نمی‌گوئیم هنر؟ ما از تماشای طبیعت لذت می‌بریم و از تماشای یک تابلو هم که مناظر طبیعت را نشان میدهد لذت می‌بریم این دو با هم چه فرقی دارد؟ ما در اینجا نمیتوانیم یک اثر هنری را بطور کامل بررسی کنیم و تفاوت آنرا با واقعیت نشان دهیم. اما شاید در یک عبارت کوتاه بتوانیم تا حدی این تفاوت را نشان دهیم. فرض کنید شما میخواهید درباره سروصدای داخل یک کارخانه صحبت کنید. شما ممکن است بطور خیلی ساده بگوئید:

"سروصدای بلند موتور شنیده میشود" این جمله بیان ساده واقعیت است. شما همان چیزی را که احساس کرده‌اید به زبان آورده اید ولی این هنر نیست. این جمله خودش به تنهایی دارای ارزش هنری نیست مگر آنکه در یک اثر ادبی گذاشته شود و بعنوان جزئی کوچکی از آن اثر، ارزش هنری پیدا کند.

اما شما ممکن است بگوئید. "زوزه خشم آلود و سنج موتور گوش را می‌آزارد." در این جمله هم باز همان واقعیت را بیان کرده‌اید اما چیزهای دیگری هم به واقعیت اضافه شده. این جمله خودش "به تنهایی هم ارزش هنری دارد". آیا چه تفاوتی بین این دو جمله هست و چه چیزهایی در این جا به واقعیت اضافه شده است؟

۱- در جمله دوم، در کنار واقعیت، تخیل هم دیده میشود. در اینجا سروصدای ماشین و موتور به زوزه یک جانور تشبیه شده است. و کسی هم که این جمله را بخواند یا بشنود، به رابطه بین آنها و شباهتی که به یکدیگر دارند فکر خواهد کرد.

۲- در جمله دوم، ما علاوه بر واقعیت حضور هنرمند را هم احساس میکنیم. یعنی ما فقط با واقعیت برخورد نمی‌کنیم. بلکه واقعیت را به آن شکلی می‌بینیم و احساس میکنیم که هنرمند با آن برخورد کرده و بر تخیل او اثر گذاشته است. معمولاً در یک اثر هنری، ما با دنیای درونی هنرمند، تجربه‌های او، شخصیت او و طرز فکر او هم آشنا میشویم و خلاصه باینکه انسان سروکار داریم نه باینکه چیزی بی جان. مثلاً در جمله دوم، برخلاف جمله اول، ما متوجه میشویم که عقیده شما درباره سروصدای کارخانه چیست و نسبت به آن چه احساسی دارید؟ در این جمله کاملاً معلوم میشود که شما سروصدای کارخانه بدتان می‌آید و این صدا شما را آزار میدهد.

همچنین معلوم میشود که شما یک کارگر هستید، چون یک کارفرما هیچوقت درباره صدای موتور اینطور صحبت نمیکند. ماهیت هنرمند هم معلوم میشود. ۳- جمله اول تأثیری روی ما نمیگذارد و به زودی فراموش میشود. اما جمله دوم میتواند روی ما تأثیر بگذارد و این تأثیر مدت بیشتری در ذهن ما باقی میماند.

۴- یکی از تفاوت‌های عمده این دو جمله در این است که جمله دوم فقط یک خبر و گزارش یا بازگو کردن بی هدف و ساده واقعیت نیست. بلکه در آن پیامی هست و هدفی دیده میشود. هنرمند به ما میگوید که چه شناختی از محیط کارخانه دارد و با نشان دادن محیط خسته کننده و آزار دهنده کارخانه در واقع این فکر را در ذهن ما بوجود می‌آورد که باید این شرایط را تغییر داد. البته لازم است که در آینده درباره هدف هنر و ادبیات خیلی بیشتر صحبت کنیم.

## رهبری را تو باید بگیری در دست

از برشت  
ترجمه س.ی  
درستایش آموختن

جهدن، ساده ترین  
چیز را نیز بیاموز -  
برای تو

که هم اکنون  
در رسیده ست زمانت، هرگز  
دیر نیست.

از الفبای هر چیزی آغاز بکن  
این بسی ناچیز است  
لیک دلسرد شو یاد بگیر.

و چنب  
باید امروز بدانی تو هر آن چیز که هست  
رهبری را میباید تو بگیری در دست.

\* \* \*

ای که در تبعیدی، یاد بگیر  
ای که در زندانی، یاد بگیر

ای که در مطبخی و خانه نشین یاد بگیر  
یادگیری که فزون است تو را سال از شصت.

ای که بی خانه شدی، مدرسه‌ای پیدا کن  
ای که میلری از سرما هان.

عقلت را کار ببنداز

ای که مینالی از کرسنگی روبه کتاب آور اکنون  
که کتاب

اسلحه ست

رهبری را میباید تو بگیری در دست.

\* \* \*

هرگز از پرسیدن، دوست من، بیم مدار.  
زود تسلیم شو، هر چیزی را بپذیر.

خود جواب هر چیزی را بپیدا کن.

ورندانی چیزی را خود،

پس چنان دان که نمیدانی.

هر حسابی جایی هست، خودت جمع بزنی  
آنکه پول هم را خواهد برداخت، توشی

بگذار انگشت خود را بر هر رقی

و بپرس

از کجا آمد این؟

پول چه چیز است؟

چرا اینقدر است؟

رهبری را میباید تو بگیری در دست.

## آیا نیست ستم ما کارگران از انقلاب؟

بعد از انقلاب انتظار همه مردم بخصوص کارگران این بود که تغییراتی در وضع زندگی و کارشان بوجود آید، ولی متأسفانه چنین نشد و روزی نیست که نامه‌ای در این مورد نداشته باشیم و در دلی از رفیق کارگری نشنویم. به چه دلیل کارگران که نقش عمده در مبارزات مردمان داشته‌اند باید هنوز درگیر کسب ابتدائی ترین حقوقشان باشند. آیا رفتار مسئولین جدید با کارگران که نمونه کوچکی از آن در نامه زیر منعکس است، ما را به یاد سیاستهای ضد کارگری مدیران رژیم سابق نمی‌اندازد؟ به متن یکی از صدها نامه‌ای که در این زمینه به دست ما رسیده است توجه کنید:

من کارگر چاپخانه ۲۵ شهریور سابق هستم. این چاپخانه در حکومت چهار گذشته توسط سازمان شاهنشاهی اداره میشد. در آن موقع حق ما را می‌خورند و کسی هم جرات اعتراض نداشت. حالا هم انقلاب شده و چاپخانه بدست کمیته امام افتاده است. نماینده کمیته امام آمده که خیلی هم ادعایش میشود، و از خودش زیاد صحبت میکند که بسله با فلان کس بودام، در فلان جا کار کرده ام و فلان کار را انجام داده ام و از این حرفها... الان هم رئیس انتشارات فرانکلین سابق و رئیس سازمان انتشارات انقلاب اسلامی فعلی است. شاعر هم هست. این آقا در ابتدای صحبت خیلی خوب حرف میزند، در مورد انقلاب و

از یادداشت های یک رفیق کارگر  
**کاربلی، تفکر نه!**  
تفکر ممنوع. این حرفی است که بارها از طرف کارفرمایان تکسار میشود. ولی آیا واقعا میتوان در هنگام کار از فکر کردن در مورد گرفتاریها دردها، زجرها و همچنین دقایق بسیار کوتاه از خوشبختیهای بی رنگ و روی زندگی خلاص بود؟ میتوان کار کرد، اما تنوع زندگی خود نبود؟ با او اصلاً. آنان محیطی آنچنان نامناسب ساخته‌اند که هر کس فقط به فکر کار خودش باشد. در مورد خود فکر نکند، چه رسد به دیگران. به محض اینکه کند کار کنی داد بر برست و سرگروه در می‌آید که آئی چته تنبل؟ چرا کار نمی‌کنی؟ مگه عاشقی؟ چرا سرت توی کار خودت نیست؟ چرا جرت میزنی؟ نکنه شب کاری داشتی؟ خوب، خسته نباشی. هزار رقم فحش خواهر و مادر را البته بعضی وقتها هم خود کارگرها برای مسخرگی و شوخی و خندانند بقیه از این متلکها به هم میگویند. آری بدرستی که آنان نمیدانند که باین زحمت و خستگی دیگر عشقی نمیماند. عاشق شدن مال آدمهای بیکار است زیرا آنها بسیار سریع با هم ازدواج میکنند، تا زندگیشان راحت بگذرد و مردم پشت سرشان حرف نزنند. آنان نمیدانند، که فشار کار جان فرسا دست رازیر ماشین له میکند و آنرا تا آنجی به زیر پرس میکشد و فلج میکند. آنقدر محیط خفقان آور است که کسی جرئت ندارد در حرف بزند. با هر کدام مواجه شوی به تو سفارش خواهد کرد که برای خوبی خودت به کسی درد دل نکنی، راز دلت را به کسی نگویی که کلاهت پس معرکه است. حرف در می‌آورد و پشت سرت هزار چیز قطار میکنند...

سهم کارگر در انقلاب نویدهای زیادی میدهد. اما وقتی به مسائل داخلی کار و کارگران می‌پردازد و میخواهد مسائل ما را حل و فصل کند دست عوامل سابق رژیم را از پشت میبندد. درست مثل اینکه ما اصلاً حق حیات نداریم. و جزئی از ماشین چاپ هستیم. مثلاً برای ما تکلیف روشن میکند که چکار باید بکنیم و چکار نباید بکنیم. گفته است که کسی حق ندارد حرف بزند، هیچ کس حق ندارد در مورد حقوقش اعتراض نکند. سرش را ببندازد پایین و فقط کار کند. اگر هم حقوق کم بود، ما خودمان درستش میکنیم. این آقا علاوه بر اینجای رفته است در شعبه سرخه حصار و باینکه حالت خشنی باز هم همین حرفها را زده. که البته در آنجا با اعتراض کارگران مواجه شده است. حتی بعضی از کارگران جلپوش ایستاده اند و گفته اند شما دارید ما را بقیه در صفحه ۷

# « چگونه هشت هلیکوپتر مردم سنندج را به گلوله بستند »

نقل از نشریه ای با نام « قوا و الحاده کار »

## آیا نویسندگان بیانیه های او ایسی و قره نی یکی نیستند؟

متن دویبانه ستاد کل ارتش اسلامی که در رابطه با وقایع خونین سنندج منتشر شد و از رادیو و تلویزیون نیز پخش گردید ، مارا به یاد بیانیه های فرمانداریهای نظامی در زمان شاه سابق می اندازد .

"باند سرلشکر قره نی" در این بیانیه ها از مسلمان مفاهیم و کلمات همکاران سابق خود ( او ایسی و سپهبد رحیمی معدوم ) استفاده کرده است . از آنجاکه سرلشکر قره نی و همکارانش با استفاده از تاکتیک ارتشبد او ایسی ( در وقایع هفده شهریور تهران ) مردم سنندج را با هلیکوپتر به مسلسل بسته اند ، هیچ بعید نیست که در زمینه های دیگر نیز از همان شیوه ها و تکنیکها استفاده کنند . بنابراین تعجب آور نیست اگر نویسندگان بیانیه های سرلشکر قره نی همان نویسندگان " دست به قلم رژیم سابق " باشند که حالا در شغل خود ابقا شده اند .

قسمتی از متن بیانیه رئیس ستاد کل " ارتش اسلامی ایران " در زیر آمده است . در این چند جمله ده بار کلمات آشنای " فرصت طلب ، ضد انقلابی ، آشوب و تحریک " که تقریباً یک چهارم کل کلمات بیانیه را تشکیل میدهد آورده شده است . " مسلمانان غیور ایرانی کرد شهرستان سنندج ، برابر اطلاع واصله تعدادی افراد فرصت طلب و ضد انقلابی دست به تحریک و آشوب زده و از رادیوی آن شهرستان به نام و از طرف فرمانده لشکر خود را نمایندگی امام خمینی و پشتیبان دولت مهندس بازرگان معرفی نمودند . آگاه باشید فصل ویزانگری ، انقلاب به پایان رسیده و زمان نوسازی آغاز شده و هر کس در هر نقطه از کشور اقدام به آشوب و تحریک نماید ، ضد انقلابی بوده و با انقلاب اسلامی هیچگونه رابطه ای ندارد . با برادران غیور ارتشی خود همکاری نموده و فرصت آشوب به ضد انقلابیون ندهید . بدیهی است ضد انقلابیون شدیداً به کيفر اعمال خود خواهند رسید .

رئیس ستاد کل ارتش اسلامی ایران - سرلشکر قره نی "

## پیام وزیر کشور به سرلشکر قره نی : دستور دهید فوراً تیراندازی قطع شود در مقابل تعدادی مامور اجنبی تسلیم نخواهیم شد

پیام تلفنگرام وسیله بی سیم شیروخورشید سنندج از طرف احمد صدر حاج سیدجوادی وزیر کشور ، از شهر سنندج به تیمسار قره نی رئیس ستاد ارتش ملی ایران .

" پروازت ها بر فراز سنندج ، موجب عصبانیت مردم و قطع مذاکرات ماست . چه کسی دستور چنین مانورهای داده است از طرف پادگان به سوی مردم تیراندازی میکنند و کشتار شدید میکنند . دستور دهید فوراً تیراندازی قطع شود و دیگر نروز ، نه شب تیراندازی نکنند . و شعله افکن شبها نیندازید . "

پاسخ ژنرال قویچ  
جناب آقای وزیر کشور

" تا موقعیکه اینجانب از طرف رهبر انقلاب مسئولیت اداره ارتش را دارم ، از انجام نظر جنابعالی و آزاد کردن افرادی که به داخل پادگان به منظور قتل و غارت هجوم بردند ، و تا زمانیکه متجاوزین گمراه شهر را به وضع آرام قبل برنگردانند ، یعنی تا زمانیکه ایستگاه رادیو تلویزیون درست افراد مجاهد از گمراهان و ساختمانهای ستاد لشکر و فرودگاه مجدداً به مسئولین معین شده واگذار نگردد و سرهنگ صفری ( فرمانده لشکر ۲۸ کردستان ) خود را به ستاد نیرو در تهران معرفی ننماید با وجود تمام ارادتی که به شخص حضرت آیت اله طالقانی و جنابعالی دارم در مقابل خواست تعدادی مامور اجنبی تسلیم نخواهیم شد .

رئیس ستاد کل ارتش اسلامی - سرلشکر قره نی

در حالیکه بیمه استانها و درمانگاههای سنندج گنجایش پذیرفتن مجروحین و قایع خونین این شهر را ندارد ، ده هاتس از تیر خورندگان دیروز ( پنجشنبه دوم فروردین ) به تهران منتقل شدند و در چند بیمارستان بستری گردیدند .

ما با چند تن از تیر خورندگان که ناجوانتر دانه بسوسیله نیروهای " ارتش ملی " گلوله باران شده اند گفتگو کردیم :

بهاخص شفیع ، ۲۲ ساله ، کارگر باشگاه مدرن غسرب سنندج که قسمتی از فک و صورت او تلاشی شده چنین نوشت ( وی قادر به تکلم نیست ) :

ما روی پشت بام خانه بودیم که مورد اصابت گلوله قرار گرفتیم . هشت هلیکوپتر از بالا مردم را به رگبار مسلسل بستند . برادرم بنام " انور شفیع " که دانشجوی سال چهارم رشته خاکشناسی دانشگاه آذربایجان بود برای دیدن خانواده شب قبل ( شب عید ) به سنندج آمده بود کشته شد . چند تیر هم به پسر خاله ام " ناصر نامداری " اصابت کرد که او هم چند ساعت بعد شهید شد .

بهاخص شفیع که به شدت متأثر بود علت این فاجعه را اعمال ضد انقلابی کمیته امام به رهبری صدوری و شاطر محمود دخالت نیروهای ارتشی ذکر کرد .

فتح اله احمدی ، دانش آموز سال سوم نظری ، ۱۸ ساله که تیر به گلویش خورده است گفت :

بعد از اینکه سال تحویل شد ( حدود ساعت ۱۰ صبح ) ماصدای تیراندازی شنیدیم . من بلافاصله به پشت بام رفتم ولی ناگهان هلیکوپترها شروع به تیراندازی کردند . هلیکوپترها بیرحمانه شلیک می کردند و در همان نخستین ساعت های اول فروردین تعداد زیادی از مردم که بیشتر روی پشت بام ها بودند کشته و یا مجروح شدند .

فتح اله احمدی با ناباوری می گفت : مردم هنوز نمی دانند که چرا ارتشی ها آنها را به مسلسل بستند . مگر ما چه می گفتیم ؟ چرا باید مردم بی گناه را قتل عام کنند ؟ مگر گفتند که این ارتش انقلابی است ... ؟

وی در حالیکه اشک در چشمانش حلقه زده بود ادامه داد :

" صدوری " سرکرده ها را کلاه گذاشت ، او مردم را تحریک میکرد و بین آنها اختلاف می انداخت . مردم مفتی زاده را هم دیگر قبول ندارند چون او بیگونی حرف ، حرف خودم است .

لطف اله مرادی ، کارگر ، شش تیر به سر صورت و شکمش خورده و حالش وخیم است . برادری گفت : خانه ما رو بر روی پادگان قرار دارد . شب عید داخل پادگان تیراندازی شد .

تعدادی از خانه های اطراف گلوله باران شد و برادرم که در یکی از اتاقها بود زیر رگبار گلوله قرار گرفت . وی افزود ، نیروهای ارتشی با خیاباره تعدادی از خانه ها را ویران کرده اند . هشت هلیکوپتر نیز مردم را از بالا هدف گزله قرار می دادند .

عماد اله کیانپور ، کارگر ساختمانی ، که صبح دوشنبه هدف گلوله مزدوران قرار گرفته گفت :



کبریا محمدی ۴۴ ساله هنگامیکه در حیاط خانه بود مورد اصابت گلوله هلی کوپتر قرار گرفت

از مدتی پیش موج ناراضی در میان مردم گردیده بود که علت آن بدرفتاری کمیته امام و نیروهای ارتش بود . مردم با کمیته مخالف بودند و میخواستند نمایندگان را خودشان انتخاب کنند . مردم زاندری را گرفتند اما ارتشی ها آنها را به رگبار گلوله بستند و صد ها تن را کشتند و مجروح کردند .

خالد زندی ، نقاش ساختمان ، که تیر به کمرش خورده گفت : من هیچ اطلاعی از این وقایع ندارم . من شب عید میخواستم به خانه بروم که چند تیر به طرفم شلیک شد .

حسین دارابی ، سرباز ، که اخیراً از تهران به سنندج رفته بود و تیر به ریه اش خورده است گفت :



بهاخص شفیع کارگر بسوسیله خمیاره قسمتی از فک و صورتش متلاشی شد . برادرش انور شفیع دانشجوی سال چهارم خاکشناسی و پسر عمه اش ناصر نامداری که همراه او بودند ، شهید شدند .

یکی از درجه داران که حاضر شد نام خود را بگوید گفت روزیکشنبه فرماندهان پادگان به قسمت های مختلف آمدند و گفتند از هر قسمت ۱۵ سرباز درجه دار و طلب شود که با نیروهای خدمتی بجنگد . ما به تصور اینکه این نیروها واقفا " ضدملی هستند با آنها به نبرد پرداختیم ، حال ما متوجه شدیم که این " نیروهای " که فرماندهان آنها را ضدملی قلمداد کرده بودند مردم سلحشور کردستان بوده اند .

خانم کبری محمدی هم که تیر به صورتش خورده است تا کید کرد که هلیکوپترها مردم را گلوله باران کردند . وی گفت من در حیاط منزل مشغول جارو کردن بودم که مورد اصابت گلوله قرار گرفتم . مسرتیرهایی که بصورت این خانم خانه دار خورده از بالا است .

در میان مجروحان چند درجه دار ارتشی هم بودند که حاضر به گفتگو نشدند . در گفتگو با مجروحان آنچه بیش از همه به چشم می خورد حالت بهت و ناباوری بود . آنها نمی توانستند باور کنند که پس از آن همه کشتار و خونریزی که بسوسیله عمل رژیم گذشته صورت گرفت هنوز هم در معرض حملات ناجوانتر دانه نیروهای ارتشی هستند ، مجروحان کرد که خشم و نفرت از مزدوران رژیم سابق ( که امروز در لباس انقلابی دست به کشتار می زنند ) در چهره شان نمایان بود از ما می پرسیدند آیا در تهران و شهرهای دیگر هم جنگ شروع شده است ؟

## خواست های عمومی و اساسی ملت کرد

۱- در قانون اساسی باید گنجانده شود که ایران یک کشور کثیرالمله است و ملت کرد نیز همانند دیگر ملتهای آباد از حقوق کامل و انکارناپذیر تعیین سرنوشت خویش برخوردار باشد و این بمعنای استقرار حکایت سیاسی و اقتصادی خلقها بر میبند و نیز زمین تاریخی خودشان می باشند تا بدین ترتیب وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران بشکل واقعی آزاد و داوطلبانه حفظ و تامین گردد .

۲- هشت ماده نقدیمی نمایندگان مردم گردیده هیات تحت ریاست آقای داریوش فروهر در شهر مهاباد باید بر سر " و دقیقاً " از طرف دولت بنحومثبت جواب داده شود و هر نوع تاخیری در قبول این درخواستها بر بحران منطقه میافزاید و عواقب خطرناک ناشی از آن بر عهده دولت مرکزی است .

۳- حل مسئله کردتنبهادر رابطه با حل مسائل اساسی ملت ایران در تاه بین آزادیهای فردی واجتماعی و تکامل مبارزه دمکراتیک و ضدامپریالیستی تمام خلقها امکان پذیر خواهد بود این دوجریان بنحودقیق وجهایی ناپذیر بیکیدیگرواستهاند . شورای موقت انقلاب در سنندج

پیش از فرسارندوم

### اساس جمهوری اسلامی را تشریح کنید

کشاورزان و دامداران روستاهای جوهر لیبکر خندان، کاظم آباد، مبارک آباد، بیجار سر، لاسک، داکله سر، اسلام آباد و دیگر روستاهای شفت که مجموعاً چندین هزار خانوار میباشند در ۳ فروردین اجتماعی تشکیل داده و خواستههای خود را به شرح زیر مطرح کردند.

- ۱- ازدولت آقای بازرگان میخواهیم قبل از فرسارندوم قانون اساسی جمهوری اسلامی را برای ما کشاورزان و کارگران و دامداران تشریح کند. ما اعتقاد داریم که فقط با مطلع شدن از محتوی جمهوری اسلامی است که میتوانیم بدان آگاهانه رای دهیم.
- ۲- دادن وامهای طویل المدت و بی بهره، لغو کلیه بدهی های کشاورزان به بانک تعاونی و کشاورزی، بازپس گرفتن تمام مبلغ سهام ما کشاورزان از شرکت تعاونی.
- ۳- لغو بهره مالکانه و حق آب استرداد ۱۲٪ سودی که به ما کشاورزان و دامداران و کارگران تعلق

میگرفت

- ۴- تامین برق و بهداشت
- ۵- رایگان برای روستائیان، ساختن راهها و ایجاد صندوق پست
- ۶- دادن سند مالکیت زمینی به روستائیان، دادن کود شیمیایی و سموم دفع آفات به کشاورزان
- ۷- کشاورزان خواهان آنند که کلیه ۳۸۰۰ هکتار زمینی که شرکت "چوکا" غصب کرده جهت کشاورزی به کشاورزان و خوش نشینان واگذار شود.
- ۸- رسیدگی هرچه زودتر به مسئله آب جهت کشاورزی از طریق حفر کانالها و لایروبی رودخانه ها.
- ۹- در اختیار قرار دادن ماشین آلات کشاورزی برای بالا بردن سطح تولید و کم کردن کار طاقت فرسای کشاورزان
- ۱۰- ایجاد فروشگاه تعاونی و ارائه مایحتاج کشاورزان به قیمت ارزان
- ۱۱- تهیه کار دائم و مسکن برای کشاورزانیکه کار فصلی دارند.

۵۸/۱/۳



### یک کشاورز چند جور بدبختی باید داشته باشد

است و آنوقت هشت هزار نفر کشاورز مجبور هستند زمینها را از آنها کرایه کنند. آب هم که میگویند ملی شده، فقط برای سرمایه دارها ملی شده. ما کشاورزها مجبوریم هر خانواده، هر چند نفر که هستیم از زن و مرد و بچه روی زمین کار کنیم. اگر در بهار به مزرعه های مانگه کنیدی بیندیزنها بچه های چهل روزه شان را شوی جوی آب و زیر آفتاب گذاشته اند و دارند کار میکنند. و من کشاورز وقتی میبینم زمین مال خداست و همه باید از آن استفاده کنند می پرسم چطور شده سرمایه دار اینهمه زمین دارد و من یکمتر زمین ندارم؟ تازه وقتی که ما با هزار مکافات سهم خودمان را به دهی آوریم در آنجا بقیه سرمایه دارها هر کدام یک نگاه معاملاتی باز کرده اند که ما مجبور هستیم محصول را در آن بنگاه ها بفروشیم. موقع بهار هم چون پول نداریم که کود بخریم و به پول موتور آب بدهیم، و یا به تراکتور پول بدهیم مجبور میشویم بیاز را پیش فروش یا به اصطلاح "سلف فروش" کنیم. و اگر چه میدانیم موقع پائیز قیمت بیاز یک تومن خواهد شد، ولی مجبوریم در بهار آنرا به نصف قیمت پیش فروش کنیم تا هم پول تراکتور را بدهیم و هم مایحتاج زندگی خودمان را تامین کنیم. حالاً ممکن است بپرسید ما با این همه مشقت و بدبختی اصلاً چطور زندگی میکنیم؟ باید بگوئیم ما این طوری در فقر و فلاکت زندگی میکنیم، در مقابل عده دیگری از دسترنج ما خیلی خوب زندگی میکنند.

### صادان: لغو کلیه قراردادهای تحمیلی

در بی اجتماعی که روز شنبه ۱۲۶ اسفند ۵۷ صادان ناحیه ۳ شمال در شیلات بابل سر به منظور پی گیری خواسته های چندین ساله خود ترتیب دادند قرار برای شبکه صادان ۱۳- صیدگاه (چالوس)، خیرود، حسن آباد، ایزده، نوسکا توک، نویسی، سرخود، فریدونکنار، بابل سر، میروود، چیکرود، لاریم (روز دوشنبه ۲۸ اسفند ۵۸ مجدداً در شیلات بابل سر جمع شده و در صورت عدم تحقق خواسته های برحق خود اینبار دست از کار بکشند. صادان در روز مقبره اجتماع کرده و خواسته های خود را به شرح زیر با مدیرعامل و عضو دیگر هیئت مدیره در میان نهادند:

- ۱- لغو کلیه قراردادهای تحمیلی قبلی.
- ۲- استخدام رسمی در ادارات شیلات و برخورداری از مزایای متعلق به آن
- ۳- تامین بیمه درمانی و داروئی ولی نمایندگان صادان با بی تفاوتی مسئولان و جواب رد به خواسته هایشان مواجه شدند. صادان در حالیکه خشمگین به نظر میرسیدند، مسئولان شیلات را در اطاق محاصره نموده اجازه خروج به آنان ندادند و اعلام داشتند تا زمانی که صریحاً به خواسته های آنها جواب داده نشود، همچنان مسئولان را گروگان خواهند داشت. در این وقت مسئولان شیلات، با فراخواندن مجدد نمایندگان، از آنها یک ماه مهلت خواستند که صادان پس از شور جمعی این درخواست را پذیرفتند. در پایان دستور العملی باین نکات از طرف مدیرعامل صادر شد:
- ۱- یکماه فرصت به منظور بررسی خواسته هایشان.
- ۲- پرداخت مبلغ ۷۵۰ تومن به سر صادان و ۵۰ تومن به دیگر صادان.

### خواستار تشکیل شوراهای دهقانی شدند

لاهیجان- کشاورزان روستای خشتال طی یک گردهمایی ضمن اشاره باینکه دهقانان زحمتکش ترین افراد جامعه میباشند و به علت فقر شدید مالی به ناچار به عنوان کارگر ساده مزد بگیر نیز باید کار کنند، به نقش بانک کشاورزی و تعاونی در فقر و فلاکت دهقانان نیز اشاره کردند و طی قطعنامه ای خواسته های زیر را جمعیاً تأیید کردند:

- لغو کلیه بدهکاریهای کشاورزان به بانک ها.
- سیردن کار روستا به روستائیان از طریق شوراهای دهقانی.

### خواسته های روستائیان

کهریز-

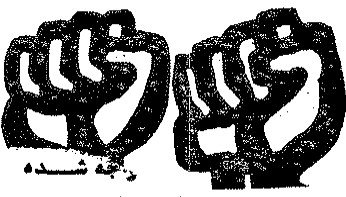
رضائیه - روستائیان کهریز طی گردهمایی روز جمعه ۲۵ اسفند قطعنامه ای صادر کردند. در این قطعنامه ضمن اشاره به شیوه هایی که رژیم پهلوی در استعمار دهقانان بکار میبرد و فشارهای اجتماعی و اقتصادی رژیم قبلی خواسته های خود را چنین بیان کردند:

- ۱- انجام اصلاحات ارضی به نحوی دمکراتیک.
- ۲- بازگرفتن زمینهای غصب شده مردم از طرف موسسات کشاورزی و اربابان کل.
- ۳- دادن وامهای طویل المدت برای احیای دامداری و کشاورزی بدون بهره.
- ۴- واگذاری زمینهای اداره کشاورزی که بنام اوقاف غصب کرده به روستائیان.
- ۵- واگذاری شرکت تعاونی و تولید روستائی به خود مردم.
- ۶- ایجاد در مانگه و مدرسه راهنمایی و حمام در این روستا.
- ۷- تاسیس و ایجاد لوله کشی آب و تامین برق روستا و آسفالت کردن جاده ها.

### باغبانان

تساورزان روستای باغبانان یکی از توابع شهرستان فومن با تکیه بر ناشیری که انقلاب می بایست بر زندگی دهقانان و کارگران داشته باشد طی نامه ای به دولت بازرگان خواسته های خود را در ۱۳ مورد اعلام نمودند که مهمترین آنها به قرار زیر است:

- ۱- پرداخت وام بدون بهره با اقساط طویل المدت به کشاورزان مخصوصاً در این بوقیعت زمانی که فصل کشت است.
- ۲- لغو کلیه بدهیهای کشاورزان به شرکت تعاونی.
- ۳- دادن کود شیمیایی به کشاورزان و فرستادن گروههای سیار جهت مبارزه با کرم ساقه خوار برنج و سایر آفات زراعی.
- ۴- واگذاری زمینهای بایر به افراد مستمند و حمایت از آنها جهت بهره برداری از زمین.
- ۵- لغو باقیمانده قروض بازر خرید زمین از مالکان و بانکها.
- ۶- لغو پرداخت آب بهیسا و جریمه جنگلانی واحداث چاه جهت مشروب ساختن مزارع بالای کانال.



از کارگران جلوس شده اندو گفته اند شما دارید مارا بقیه در صفحه ۷

عیدی حقیقی ماروزیست که زحمتکشان در بند فقر و استعمار نباشند. ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق در گیلان پیامی منتشر کرد و ضمن تقدیم بهترین تبریکها و درود های خود به خلق ایران چنین اظهار داشت:

"خلق فهردان ایران، با قدرت شکوهمند دستهای خویش و با عشق به فردای بهتر و انسانی تر دزهای استبداد و ارتجاع را فروریخت با اینهمه پیروزی کامل تنها هنگامی

### کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و موسسات

### گزارشی از مبارزات موفقیت آمیز کارگران

در این زمینه با وزارت کار صورت گرفت اجتماع دیگری در روز ۲۴ اسفند ۵۷ تشکیل شد و یکی از کارگران جریبان مبارزات را بازگو کرده، برخورد غیر مسئولانه مسئولین دولتی را در مورد وام بیکاری توضیح داد. بدینال آن در جلسه ۲۶ اسفند ۵۷ تغییراتی که در نتیجه مذاکرات در طرح وام داده شده بود مطرح گردید اما مورد قبول کارگران قرار نگرفت، چراکه محدودیت های اصلی آن بر طرف نشده بود. در اینجا کارگران همگی به این نتیجه رسیده بودند که از طریق مذاکره مشکلاتشان حل نمیشود. بنابراین تصمیم گرفتند که در وزارت کار متحصن شوند. در روز یکشنبه ۲۷ اسفند ماه ساعت ۹ صبح عده ای از کارگران بیکار به وزارت کار رجوع میکنند. این عمل ابتدا با مقاومت مسئولان وزارت روبرو میشود. اما این بار کارگران برائسر پافشاری موفق شدند که به سالیان اجتماعات وزارت کار راه یافته و در آنجا متحصن شوند. در آغاز نماینده وزارت کار در مورد شرایط نامساعد دولت و ورشکستگی اقتصادی مملکت صحبت کرد و از کارگران خواست تا انجام فرایند و تشکیل مجلس موسسان صبر کنند. سپس یک روحانی که خود را نماینده کمیته امام معرفی میکرد حل مشکلات کارگران را موقوف به بعد از ایجاد جمهوری عدل اسلامی نمود. کارگران که از سخنان مزبور، راه حلی اساسی نیافته بودند شروع به اعتراض نمودند.

تا اینکه بعد نبال بی نتیجه بودن مذاکرات آنروز کارگران مجبور شدند که در سالن فوق دست به اعتصاب غذا بزنند. در طول چهار روز اعتصاب عناصر ضد کارگری و مترجم در لباسهای مختلف کارگران را مورد ضرب و شتم قرار دادند اما اتحاد یکپارچه کارگران توانست وزارت کار را مجبور به قبول طرح پیشنهادی کارگران نماید. این طرح شامل سه ماده بشرح زیر میباشد:

الف - ماده اول در مورد صندوق وام بیکاری.

۱- افرادی که کمتر از ۲۱ سال دارند بشرط آنکه در گذشته مدت ۶ ماه بکار اشتغال داشته و اینک بیکار شده باشند یا گواهی و تأیید دو نفر از معتمدین محل حق استفاده از وام صندوق را خواهند داشت.

۲- به خانواده افراد وام گیرنده از صندوق بیکاری میتوان مبلغی بیش از حد پیش بینی شده وام داد.

۳- ماده دو در مورد افراد تحت تکفل وام گیرندگان مجرد هم صدق میکند.

۴- به افراد بیش از ۶۰ سال در صورت استفاده نکردن از حقوق بازنشستگی و مورد اعتماد بودن میتوان وام داد.

۵- بازاء مابال تفاوت میزان وام کارگری تا درآمد همسر کارگر بشرط کمتر بودن آن از میزان وام، میتوان بکارگر بیکار وام داد.

۶- اگر کارگر بیکار حق بیمه داده باشد و صاحب دفترچه باشد

به تأیید سازمان تأمین اجتماعی - احتیاجی نیست.

۷- چنانچه متقاضی وام بیمه نشده باشد، بر اساس تحقیقات محلی یا گواهی مسئولان صنف (آخرین اشتغال کارگر) میتوان باین گونه افراد وام داد.

۸- در صورتیکه کارگری از تاریخ تصویب این تصویب نامه تحت شرایط غیر ضروری ترک شغل کند حق استفاده از وام صندوق وام کارگری را ندارد.

۹- در مورد کارگران ساختمانی که بدون هیچ ضابطه اشتغالی کار داشته اند میتوان با احراز اشتغال آنان به کار نیز وام کارگری پرداخت نمود. برای احراز اشتغال ایس عده بکار میتوان از فهرست اسامی کارگران شاغل در کارگاههای پیمانکاران سازمان برنامه یا شرکت های ساختمانی یا گواهی و تأیید معتمدان محل یا هر منبع و رجوع قابل استناد وزارت کار استفاده کرد.

۱۰- باز پرداخت وام کارگری بمدت ۶ ماه پس از اشتغال بکار شروع میگردد.

۱۱- میزان مبلغ وام برای افراد به ترتیب زیر پیشنهاد میشود:

برای مجردی ۹۰۰ تومان  
شوهر با همسر ۱۲۰۰ تومان  
برای هر چه ۹۰۰ تومان.

۱۲- وام کارگری که در این تصویب نامه آمده جهت پرداخت

به کارگران بیکاری میباشد که با شرایط فوق مطابقت داشته باشند.

۱۳- پیشنهادات فوق جهت تصویب هیئت وزیران به وزارت کار ارائه میگردد، وزیر کار موظف است از موارد فوق در هیئت وزیران دفاع نماید.

ب - ماده دوم - در مورد وام فوری.

تا شروع اجراء طرح، مبلغ هزار تومان بعنوان وام در اختیار کارگران اعتصابی متحصن قرار میگیرد. این وام با حضور نماینده کارگران در محل وزارت کار، پرداخت میگردد.

ج - ماده سوم، در مورد سالیان اجتماعات.

توافق شد که ساختمان خانه کارگران، جهت طرح کارگری در اختیار آنها قرار داده شود، همچنین وزیر کار وعده داد که از سالن سینماهای کرایه ای در صورت لزوم بتوان استفاده کرد.

در پایان کارگران همبستگی خود را با مبارزات کلیه کارگران و زحمتکشان اعلام کردند و از تمامی برادران رنجبر دانشجویان و دیگر نیروهاییکه به آنها یاری رسانیده اند تشکر کردند. کارگران که به خواستهای فوری خود رسیده بودند تصمیم گرفتند که به اعتصاب و تحصن خود پایان دهند. شادی در چهره های کارگران موج میزد، چراکه آنها نه فقط درد ورنج و کرسنگی و توهین و کتک و... را برای خود تحمل کرده بودند، بلکه برای تمامی کارگران بیکار شده ایران مبارزه

کرده بودند و همین پیوند بود که آنها را به پیروزی رسانید. هنگامیکه کارگران از وزارت کار خارج میشدند با استقبال گرم عده ای از مردم روبرو شدند که فریاد میزدند.

"کارگر، کارگر، زنده به کار توئیسیم."

بعضی از کارگران مشت های خود را در هوا گره کردند و عده ای دیگر از آنها با علامت پیروزی به مردم جواب میدادند و در حالیکه لبخند بر چهره داشتند به زندگی و آینده خود می اندیشیدند. مابین پیروزی را که در اثر اتحاد، تشکل و پیگیری کارگران به دست آمده، به همه کارگران بیکار شده تبریک گفته و آنرا موفقیتی برای جنبش کارگری و وطنمان میدانیم.

**آیا اینست سهم ما؟**

تهدید میکنید. اما این آقا تهدید کرده که هر کس غیر از این رفتار کند بیرونش میکنیم: اگر کسی به آن چیزی که ما میگوئیم اعتراض دارد، میتواند بیرون بیرون. دیگر اخراج است. یعنی خیلی محترمانه گفته است که اخراج میکنیم. بعد اعلامیه داده است که هر کس تا سیزده عید هر کاری دارد باید بکند چون در غیر این صورت مرخصی داده نمیشود و تأکید شده آنها که عروسی دارند تا سیزده و آنها که به شهرستان میروند تا ۱۱ باید کارشان را تمام کنند. فقط مانده است که بگوید آنها هم که میخواهند بیرون ناسیزده مرده باشند. آیا این است سهم ما کارگران از انقلاب؟

## قره نی باید محاکمه شود

به اتهام توطئه در ۲۸ مرداد و کشتار اخیر مردم

این مقاله پیش از برکناری قره نی تهیه شده است.



اکنون که سرلشکر قره نی از ریاست ستاد ارتش کنار گذاشته شده، باید حساب اعمال ننگین خود بویژه کشتار اخیر خلق کرد را بر مردم پس بدهد. قره نی و همه مزدورانی که با سوء استفاده از شرایط موجود قصد خیانت به مردم و تحکیم سلطه امپریالیسم را دارند باید هر چه و زودتر در پیشگاه خلق ایران محاکمه شوند.

رهبران ارتش ملی اسلامی قرار گیرد، آیا نییابست در لیست اسامی خسرو دادها، نصیریها، خواجه نوربها و دیگر عناصر مزدور و خائن بملت قرار گیرد؟ و بجرم اعمال گذشته اش در یک دادگاه خلقی بمحاکمه کشیده شود؟

یک بار دیگر هشدار میدهم که دولت گماشتن فرماندهان ارتش سابق زمینه های دسیسه بازی و توطئه امپریالیسم و نیروهای ارتجائی را فراهم کرده و عملاً انقلاب را با خطر شکست روبرو میکنند.

از زمین و هوا به مردم حمله کرد. مزدورانی که زیر فرماندهی قره نی عمل کردند حتی به کودکان یک ساله و زنان حامله نیز رحم نکردند. حوادث اخیر کردستان یکبار دیگر چهره ضد خلقی سرلشکر قره نی را به هم میهنان ما نشان داد.

نمونه بالا یکی از اسنادی است که فعالیتهای ضد انقلابی رکن دو و "ساعتی جمیله" سرلشکر قره نی و همکارانش را نشان میدهد.

با مشاهده این سند بلافاصله این سؤال مطرح میشود که آیا نام سرلشکر قره نی بجای اینکه در زمره

ترانه ها سروده است هرگز خاطره شهدای آن دوران را فراموش نخواهد کرد. همچنانکه نقش عاملین این فجایع را نیز از یاد نخواهد برد.

اسم تیمور بختیار و نصیری و دیگر همکاران سابق سرلشکر قره نی هرگز از اسناد جنایات تاریخ ایران محو نخواهد شد.

حوادث اخیر کردستان نیز که موجب به شهادت رسیدن بیش از صد تن و زخمی شدن صدها تن از هم میهنان ما شد به دستور مستقیم شخصی سرلشکر قره نی صورت گرفت. در این حوادث ارتش

بررسی گذشته ننگین سرلشکر قره نی و نقش او در کودتای ۲۸ مرداد نمایانگر فعالیتهای ضد خلقی و وابستگی او به امپریالیسم امریکاست.

"در مورد فعالیتهایم باید بگویم که من از سال ۳۳ تا ۳۷ رئیس رکن دوم بودم."

بلی! او فقط چهار سال در پست ریاست رکن دوم ارتش "شاهنشاهی" بوده است. اما این چهار سال مقارن با ایامی است که شناسایی و اعدام مردم مبارز ما و همه مخالفان کودتای ننگین ۲۸ مرداد صورت گرفته است. خلق ایران که برای این اقدامها

\*\*\*

بدنبال کشتار مردم سنندج

# عناصر ضد انقلابی تظاهرات آرام مردم ترکمن را به خون کشیدند

گزارش زیر که برای اطلاع هم میهنان عزیز و مقامات مسئول منتشر میشود خلاصه گزارشهایی است که از ظهر روز دوشنبه ششم فروردین ساد تا ساعت یک بعدازظهر روز سه شنبه هفتم فروردین ماه ازگند ترکمن (کند کاوس سابق) دریافت کرده ایم.

سدرج در این گزارش از منابع جداگانه بدست آمده است.

روز یکشنبه ۵ فروردین ماه یکی از مامورین کمیته امام شهر گنبدیک روستائی ترکمن را که سیگار میروخت بازداشت میکند و عیواید او را به اتهام قاچاق به کمیته میبرد. چند نفر رهگسدر به عمل او اعتراض میکنند. مامور کمیته سلاح میکشد و سیگار فروش فراری میشود. بدنبال این وقایع در کمینکهای بعدی که بین مردم و ماموران کمینته پیش می آید یک نفر از اهالی شهر، یک محصل ۲۲ ساله بنام آراز دردی پور با گلوله ماموران کمیته شهید میشود و یک نفر دیگر مجروح میشود. جسد را به نیرو خورشید میبرند. از طرف روحانیوی شهر و مردم برای کسوفتن جسد به نیرو خورشید مراجعه میشود ولی کمیته جسد را تحویل نمیدهد مبادا تظاهرات وزدو خورد پیش آید، ولی صبح روز دوشنبه ۶ فروردین جمعیتی حدود ۷-۸ هزار نفر به طرف نیرو خورشید میروند و جسد را به زور تحویل گرفته و با تشییع و راهپیمائی ساکت وبدون شعار مراسم را برگزار میکنند. جسد به بند ترکمن حمل میشود. شهادت این محصل شهر را به شدت بر علیه مسلمان آن به خشم آورده. مردم مجازات مسلمان قتل نوجوان را خواستار میشوند.

سنا به دعوت قبلی کانون مرکزی شوراهای ترکمن صحرا که از چند روز پیش اعلام شده بود حدود ۱۰-۱۵ هزار نفر از مردم شهر در یک میتینگ آرام بمنظور اعلام نظر نسبت به فرماندم و اعتراض به کشتار مردم سنندج در باغ ملی شهر اجتماع میکنند. به همه شرکت کنندگان توصیه شده بود از آنجا که میتینگ سلامت آمیز است بدون سلاح در آن شرکت کنند و بیرو این توصیه هیچکس سلاح همراه نداشته است. میتینگ در شرایطی برگزار میشود که نیروهای تازه وارد ارتش تمام راههای ورودی شهر را بسته بودند و کسی را بدون اجازه بشهر راه نمیدادند. سخنرانیها در ساعت ۲ بعدازظهر شروع میشود. پیام کانون سیاسی - فرهنگی خلق ترکمن و پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خوانده میشود. بعد از آن طبق برنامه اعلام شده فرار بود پیامهای نمایندگان روستاهای مختلف ترکمن صحرا قرائت شود. چند کامیون روی ارتشی که تعداد زیادی نظامی و غیر نظامی را حمل میکرد افراد مسلح را در اطراف میدان باغ ملی پیاده میکند. افراد مسلح که اکثرشان بازوبند " پاسداران انقلاب " و نقاب بر چهره داشتند در باغ خانه های مردم سنگر

گرفته و به تدریج از خیابانهای اطراف جمعیت را محاصره کرده شروع به تیراندازی هوائی میکنند. موتور سیکل های مردم که از اطراف آمده بودند با شلیکهای پیاپی منهدم میشوند. جمعیت به هرجا آمده در یک نقطه تجمع میکنند. همه هوراب شدت بالا میگردد. تیراندازان بسوی مردم شلیک میکنند. شاهد عینی گزارش داد دوتنفر جلوی چشمش کشته شدند (در تماس مستقیم با بیمارستان تا ساعت یک بعدازظهر سه شنبه ۷ فروردین ماه ۲۶ نفر کشته و ۷۷ نفر زخمی گزارش داده اند). مردم شدیداً خشمگین باشعارهائی برضد جنایتکاران که همچون دژخیمان رژیم سابق تظاهرات آرام را به گلوله می بندند، متفرق میشوند. افراد مسلح ارتشی و کمیته ای ابتدا به کتابخانه کانون فرهنگی یورش میبرند و آنرا به آتش میکشند و سپس با گاز اشک آور، نارنجک و مسلسل به کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن حمله میکنند. در تماس تلفنی ساعت ۷ بعدازظهر دوشنبه مسئول کانون در آخرین کلمات خود گفت: " ما تاکنون شلیک نکرده ایم. به ستاد دارنند شلیک میکنند. صدایش را می شنوید؟ گاز اشک آور انداخته اند... خفه شدم... " تلفن قطع شد. تا این لحظه دیگر از سرتوشت رفقای درون ستاد خبری دریافت نکرده ایم. اطلاع رسیده است که کمیته امام از سه روز پیش در تدارک بوده و با اعزام گروههای مسلح از بهشهر، گرگان، علی آباد، قوچان و تهران به شدت تقویت میشده است.

مردم از ساعت ۶ بعدازظهر دوشنبه با کندن سنگر جلوی محلات شروع به مقاومت میکنند. تعدادی از روستائیان ترکمن مسلح برای کمک به مردم به شهر می آیند. با وجود این نیروی مردم قابل مقایسه با نیروی وسیع ارتشی های نقابدار نبود سلاحهای مردم کهنه و قدیمی یابدون مهمات گزارش شده است. تیراندازی تا ساعت هشت شب ادامه داشته است.

ساعت هفت صبح سه شنبه ۷ فروردین در تماس تلفنی با مردم گنبد ناشناسی گفت:

" خانواده های میگوید " بچه ام را ارتشی های نقابدار دیروز در باغ ملی تیر زدند ". او مجروح در بیمارستان افتاده، بیمارستان در اختیار آنهاست نمیگذارند بچه ام را ببینم.

چرا نمیگذارند...؟

تلفن دیگر (از محله فارس نشین) نقاب داران به خانه ما ریخته اند. آنها به خانه مردم میریزند، شیشه ها را میشکنند و خانه ها را درهم میریزند. خانه گردی راه انداخته اند. اینها کی هستند؟

## اخطار بدولت در مورد تجدید سازمان ساواک

ما با رها بدولت هشدار داده ایم که نیروهای ضد خلقی و عوامل امپریالیسم ورزیم سابق و مامورین ساواک دست اندر کار توطئه هستند اما تاکنون گوش شنوایی وجود نداشته است. طبق اطلاع موثقی که بدست ما رسیده مامورین شناخته شده ساواک نظیر حسین زاده، منوچهری و عضدی به تجدید سازمان ساواک مشغولند. مطابق این اطلاعات موثق ناصر مقدم رئیس پیشین ساواک از طریق ایادی اش مشغول رهبری این تجدید سازمان است و دولت هم با مسامحه در مجازات این خائن عملا " دست او را باز گذاشته است.

## عناصر مشکوک در لباس مامورین کمیته امام هنوز به شکنجه مبارزین می پردازند

صبح روز یکشنبه یکی از دانش آموزان هوادار سازمان هنگام پخش اعلامیه در میدان خراسان تهران مورد حمله مامورین کمیته امام قرار گرفت و به شدت مضروب و مجروح شد. مامورین کمیته امام به این اکتفا نکردند و رفیق ما را به محل کمیته امام منطقه برده و به شکنجه وی می پردازند و او را به تخت شلاق می بندند. مامورین سپس به خانه او حمله و میروشند و بدون اجازه به درهم ریختن اسباب و اثاثیه منزل و ایجاد ترس و وحشت می پردازند.

ما این عمل بیشرمانه را به قضاوت هم میهنان و همه مبارزین راستین خلق می گذاریم و می پرسیم آیا تشابه روشهاییکه مدتها ساواک

## آقای بازرگان معنی این جملات چیست؟

آقای مهندس بازرگان در سخنرانی خود در تبریز گفت:

" تعجب نکنید اگر من عرض میکنم که شاه اگر میگفت من شماره تمدن بزرگ میروانم... این حقیقت بود، به اعتباری از حسن نیت بود. واقعا دلش میخواست ملت ایران را به بزرگترین قدرت جهانی برساند. این لازم روح استبداد است که خودش را موظف بداند به ملت و مردمش همه چیز برساند."

نقل از کیهان ۶ فروردین ۵۸ صفحه ۷

آقای مهندس بازرگان معنی این جملات چیست؟

آیا جنایتکاری چون شاه را به اعتباری " آدمی با حسن نیت " دانستن و وطن فروشی چون شاه را کسی که میخواهد " به ملت و مردمش همه چیز برساند " دانستن، دال بر مواضع محافظه کارانه ای نیست که به انقلاب ایران لطمه خواهد زد. راستی شما بایست کشیدن این حرفها چه منظوری دارید؟ فکر نمیکنید طرح این مسائل - راهبرای توطئه های ضد انقلاب هموار میسازد؟ راستی کدام دیکتاتوری تا کنون در تاریخ کوچکترین " چیزی " به مردم رسانیده تا چه رسد به " همه چیز " که شما مدعی هستید شاه مزدور خود را " موظف " بدان میدانسته؟ آیا فراموش کرده اید که مردم در مقابل رگبزار گلوله های دژخیمان فریاد میزدند: " دروازه تمدن با قتل عام مردم ".

اگر فراموش نکرده اید، پس توضیح دهید منظور شما از این کلمات چه بوده است؟

**رفقا!**

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را بآدرس زیر ارسال نمائید:

تهران - خیابان بلوار - خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

## قرارداد سادات، بگین

# خیانت به ملت فلسطین است

قرارداد خائنانه مصرو اسرائیل در روز دوشنبه ۶ فروردین توسط سادات و بگین در پیشگاه اربابشان کارتر در واشنگتن انشاء گردید.

امضاء این قرارداد موجی از تنفر و انزجار را در بین نیروهای مترقی سراسر جهان برانگیخت. ما امضاء این پیمان ارتجاعی را که برای تثبیت سلطه امپریالیسم امریکا در منطقه خاور میانه و از بین بردن حقوق خلق فلسطین طرح ریزی شده است، شدیداً محکوم میکنیم. ماهم بستگی خود را با خلق قهرمان فلسطین و نیروهای انقلابی خاور میانه برای نابودی صهیونیسم و سلطه امپریالیسم و ایجاد فلسطینی آزادی دمکراتیک اعلام میکنیم.

" نابود باد سلطه امپریالیسم در منطقه "

## ناپای جان در کنار...

در وقایع اخیر کردستان ما شاهد بودیم که خلق کرد را ضد انقلابی و تجزیه طلب قلمداد نمود و علیرغم بردباری مردم کردستان جنگ ناخواسته ای به آنها تحمیل کردند. ارتش بی محابا مردم را به گلوله بست همان ارتشی که در دوران رژیم قبلی مردم را هدف قرار میداد امروز با نام به اصطلاح " ملی " خانه ها را با خمپاره ویران میکند و با همان هلی کوپترها به کشتار مردم دست میزند. آنچه در سنندج گذشت پرده از توطئه های مشترک عناصر ارتجاعی و سرلشکر قره نسی فرمانده ارتش ملی " بر میدارد و نشان میدهد که چترنه برای جلوگیری از نامین حقوق ملی و دمکراتیک مردم کردستان آنها را قتل عام میکنند. اکنون معلوم میشود که چراسر لشکر قره نسی ارتش را چنین با عجله و با استفاده از عناصر ضد خلقی تجدید سازمان کرده است.

از آنجا که سرکوب خلقها راه سلطه مجدد امپریالیسم راهموار میکند، از آنجا که سرکوب خلقها زمینه نفاق را به وجود می آورد و از آنجا که بدون احقاق حقوق و خود مختاری خلقها امکان ایجاد ایرانی آزاد و دمکراتیک وجود ندارد، ما خواستهای برحق خلق کرد را تأیید میکنیم و سرکوب آنها را توسط عوامل امپریالیسم که در راه امر قرار گرفته اند، شدیداً محکوم و همگام با نیروهای مترقی ناپای جان در کنار خلقها خواهیم بود و از خواستهای برحق آنها دفاع خواهیم کرد.

" مستحکم باد پیوند خلقهای سراسر ایران "

# اتهام تجزیه طلبی بهانه ای برای پایمال کردن حقوق خلق کرد است



# بخشی از اساسنامه شورای یک کارخانه

بقیه از صفحه اول

در فصل اول اساسنامه این شورا (یا مقدمه آن) آمده است که کارکنان این کارخانه در یک گروههایی به این نتیجه رسیدند که در ایسین لحظات حساس انقلاب که قدرت به تدریج از دست امپریالیسم اروپا بستگان داخلی آن خارج شده و منافع دلان آنهادر معرض خطر قرار گرفته است، هر لحظه سکن است خدای ناکرده به - انقلاب شکوفا شده ما لطمه ای وارد، آید " شوراهای قسمتی " که در راس آن "شورای مرکزی موقت انقلاب - اسلامی" قرار دارد، را تشکیل دهند تا از هرگونه سوء استفاده و خرابکاری و - هرح و مرج جلوگیری کرده و فعالیتهای کارخانه را با اهدافی انقلاب هماهنگ نماید.

اساسنامه علاوه بر این فصل دارای چهار فصل دیگر هم هست که فصلهای دوم و چهارم و پنجم آن عینا چاپ میشود اما چون ماده یک فصل سوم از نظر مدارای ایراداتی است آنرا حذف کرده و بقیه فصل را می آوریم. علاوه بر آن در آخر طرح اساسنامه انتقادها را در این مورد بهرورد دیگر نیز تذکر داده ایم.

## فصل دوم: گروهها:

۱- گروه بررسی طرحها، این گروه بر حسب تشخیص میتواند هر یک از طرحها را بررسی و ضرورت یا عدم ضرورت اجرا آنرا با دلایل قابل قبول رد یا تأیید کند.

۲- گروه خرید و فروش: وظیفه این گروه بررسی کلیه قراردادهای مالی، خدمات، خرید و فروش، مناقصه و مزایده اعم از داخلی و خارجی و نظارت و تنظیم کلیه قراردادهای میباشد. لازم به توضیح است که کلیه قراردادهای این گروه به اطلاع اعضاء شوراها برسد (اعم از قراردادهای انجام شده در دست اجرا یا لازم الاجرا در آتی).

۳- گروه نظارت بر امور انبارها، وظیفه این گروه بررسی کار انبارها و محدود کردن اقلام آنها، بر طبق احتیاج قسمتها و در بند آنها میباشد لازم به توضیح است که این امر باعث میشود بعضی از مسئولان اجرائی که فکرتکروی یا استقلال عمل یا خریدهای بی مورد و کلان و یا نتیجه رکود و تلاف سرمایه و بیت المال مسلمین را دارند نتوانند خودسرانه عمل کنند.

۴- گروه بررسی اسناد و مدارک: جمع آوری اطلاعات و کشف سوء استفاده ها، این گروه بررسی کلیه اسناد و مدارک و اطلاعات جمع آوری شده را جهت تشخیص سوء استفادهها و افشاکاری را برعهده دارد.

۵- گروه استخدام و احکام: این گروه نظارت بر نحوه استخدام افراد و کنترل موقوف صدور و ترفیعات و احکام و جلوگیری از تبعیضات را برعهده دارد.

۶- گروه فرهنگی و آموزشی، وظیفه این گروه عبارتست از اجرای موارد ذیل با تمویب شورای مرکزی: الف - ایجاد کتابخانه مناسب برای بالا بردن سطح آگاهیهای اسلامی سیاسی، اجتماعی و فنی و فرهنگی.

ب - برگزاری مجالس سخنرانی با شرکت افراد آگاه کارخانه و دعوت از شخصیتهای اسلامی، اجتماعی و سیاسی.

ج - ترتیب نمایش فیلم و ویا اسلاید جهت آموزشهای فوق الذکر. د - انتشار خبرنامه هفتگی جمع آوری شده از اخبار داخلی، افشاکاری سوء استفاده ها از طرحهای غیر اصولی و اعلام رویدادهای داخلی.

۷- گروه رفاه، وظیفه این گروه عبارتست از:

الف - نظارت بر اداره امور شرکت تعاونی. ب - نظارت بر امور مسکن

ج - نظارت در تامین تفریحات سالم برای کارکنان و خانواده آنها از طریق مسافرتها دسته جمعی و سایر موارد.

د - نظارت بر امور وام، اعم از وامهای اعطائی و اعتبارات بانکی معرفیهای بانکی و سایر موارد.

۸- گروه انضباطی و نگهبانی: وظیفه این گروه نظارت بر تشویب و تنبیه و جلوگیری از اخراج بیمورد کارکنان و رعایت صحیح نظام داخلی و نظارت بر امور نگهبانی کارخانه میباشد.

فصل سوم انتخاب شورا

۲- شوراهای قسمتی توسط کارکنان هر قسمت برای مخفی از کسانیکه آمادگی خود را برای کاندیدا شدن اعلام میدارند، انتخاب میشوند. این شوراها وظیفه نظارت بر حسن انجام کلیه امور قسمت خود را طبق شرح وظایف ضمیمه که با توجه به اساسنامه شورای مرکزی تدوین و به تصویب آن میسرود، دارد.

۳- شوراهای قسمتی برای مخفی از بین خود با توجه به سهمیه ذکر شده فوق، نمایندگان شورای مرکزی را تعیین و به شورای مرکزی معرفی میکنند.

۴- شورای مرکزی از بین خود نفر را به عنوان اعضاء هیئت رئیسه به سمتهای سرپرست، معاون، سرپرستی منشی، صندوقدار و سخنگو برای اجرای تصمیمات شورای مرکزی انتخاب مینماید که طبق شرح وظایف ضمیمه اساسنامه عمل خواهند کرد.

۵- شورای مرکزی از بین خود اقدام به تشکیل گروههای ذکر شده در این اساسنامه مینماید. با توجه به اینکه هر یک از افراد شورای مرکزی - حداکثر میتواند در دو گروه عضویت داشته باشند.

فصل چهارم - وظایف شوراها.

۲۹ اسفند.

برزیل - سائوپولو - اعتصاب کارگران منطقه صنعتی سائوپولو که به صورت یک زورآزمایی بین سندیکاهای کارگری و دولت درآمد است وارد دومین هفته خود شد. این اعتصابات که به منظور مطالبه اضافه دستمزد و حذف تبعیضات علیه نمایندگان سندیکا آغاز شده است، اکنون به تدریج چهره سیاسی بخود گرفته است و سخنان رئیس جمهور جدید برزیل را در باره فضای باز سیاسی به محک سنجش گذاشته است. وزیر جدید کار برزیل هیئتی را مامور کرده است تا در مورد انگیزه سیاسی اعتصابات بررسی کند. ناگفته نماند که اعتصابات سیاسی در رژیم برزیل ممنوع اعلام شده است.

الف - شوراهای قسمتی: ۱- اعضاء شوراهای قسمتی ضمن نظارت بر امور قسمت، بایستی با تشکیل جلسات، صورت جلسات و گزارش کار رفتگی حوزه را توسط اعضا تیکه در شورای مرکزی عضویت دارند به منشی تحویل دهند.

۲- در صورتیکه هر یک از اعضاء شوراهای قسمتی، وظایف خود را به نحو احسن انجام ندهند و در انجام آن قصور ورزند، اعضاء شوراهای قسمتی میتوانند با دلایل مستند و بسا اطلاع شورای مرکزی بعد از دوبراخطا از اقدام به جانشین کردن عضو علی - البدل بنمایند.

ب - شورای مرکزی: ۱- اعضاء شورای مرکزی ضمن نظارت بر سازماندهی و رفع مشکلات شوراهای قسمتی و گروهها، جلسات خود را بر حسب احتیاج تشکیل میدهند و تصمیمات متخذه را در صورت لزوم به اطلاع کلیه کارکنان میسرانند.

۲- در صورتیکه هر یک از اعضاء شورای مرکزی وظایف خود را به نحو احسن انجام ندهند، رانجام آنها قصور ورزند، سایر اعضاء شورای مرکزی میتوانند با دلایل مستند پس از دوبراخطا نسبت به عزل آن به شورای قسمتی ارجاس سوزند شوری قسمتی تقاضای معرفی نماینده جدیدی را بنمایند.

۳- در صورتیکه کارکنان هر قسمت از عضو خود در شوراهای قسمت بداشته باشند، میتوانند با اکثریت آراء قسمت خود برکناری عضو مذکور را از شورای قسمتی یا مرکزی بخواهند که این تصمیم در شورای مرکزی قابل قبول میباشد.

فصل پنجم - بودجه

۱- برای تامین مخارج شورای مرکزی از ۳۰ ریال حق عضویت تیکه کارکنان در وجه سندیکای منحل

پرداخت مینمودند استفاده میگردد. ۲- مسئولیت مالی برداشت از مبالغ جمع شده و پرداخت مخارج با تصویب سرپرست هیئت رئیسه به عهده صندوقدار خواهد بود. انتقادات:

۱- رفقای ما، به هنگام ارائه وظایف "گروه رفاه" صحبتی از ایجاد صندوق بیکاری، اعتصاب، بازنشستی و غیره نکرده اند. در حالیکه به خوبی از این امر آگاهند که بیکاری چه بعلت اعتصاب و چه بعلم دیگر شتری است که در خانه هر کارگر و کارمندی میخوابد و به همراه خود مشکلات متعددی چه برای خود کارگروه چه برای افراد تحت تکفل او بوجود می آورد.

۲- رفقا در فصل سوم در مورد انتخابات شوراهای پس از ذکر قسمتهای کارخانه (۱۵ قسمت) گفته اند که " بر حسب تعداد کارکنان شاغل در هر قسمت سهمیه ای تعیین شده است." اما متأسفانه رفقای ما در این مورد تناسب بین تعداد نمایندگان و تعداد کارکنان را رعایت نکرده اند و مثلاً از ۵۲۶ فرد شاغل در قسمت " پروژه ساخت تراکتور" هفت نماینده و از ۳۸۲ فرد شاغل "امور اداری" نیز هفت نماینده برای شورای قسمت انتخاب کرده اند. و برای شورای مرکزی نیز در هر دو قسمت بطور مساوی سه نماینده برگزیده اند. این عدم رعایت تناسب بین نمایندگان و کارکنان که در قسمتهای دیگر برجسته تر از این هم هست، موجب خواهد شد که عملاً نظریات بسیاری از کارکنان در نظر گرفته نشود. مثلاً، قسمت " امور نظارت ساختمانی" با ۱ نفر شاغل، یک نماینده در شورای مرکزی دارند. در حالیکه ۶۸ نفر شاغل " پروژه ساخت موتور" هم یک نماینده دارد. و بدین ترتیب عملاً نظریات و آراء ۵۸ نفر از رفقای قسمت " پروژه ساخت موتور" در نظر گرفته نمیشود.



## اعتصاب کارگران ذوب فلز برزیل

برزیل آماده میکند، سندیکاهای این کشور که بیش از ۲۰۰ هزار کارگر صنایع ذوب فلز را در بر میگیرد، روز ۲۳ اسفند اعتصاب نامحدودی را آغاز کردند. کارگران اعتصابی قبل از هر چیز خواستار افزایش دستمزدها هستند و نسبت به شاخص افزایش هزینه زندگی که توسط دولت ارائه شده است متراض و خواستار پیشگیری از بیکاری هستند. اعتصابهای سائوپولو نمایانگر تغییراتی است که در برزیل در مورد مسائل کار و کارگری بوجود آمده است. سندیکاهای کوچک ایالات تحت نفوذ رهبران قدیمی هستند و اکثر پیشنهادهای کارفرمایان را تابه حال پذیرفته اند، در حالیکه رهبران جوان سندیکاهای بزرگ در سائوپولو گرایشهای سازشکارانه ندارند.



از سوی دیگر رئیس دایره حفاظت منطقه سائوپولو اعلام کرده است که جنبش موسوم به "ماهنگنی سوسیالیستی" اعتصابهایی را که منجر به فلج شدن کارخانه های مونتاژ فولکس واگن، فورد، کرایسلر، مرسدس بنز و غیره شده است دامن زده است.

رهبران سندیکاهای نیز پیوسته خود سرکوب و فشار علیه کارگران اعتصابی را که تاکنون منجر به دستگیری بیش از ۳۰ کارگر شده است شدیداً محکوم کرده اند.

رهبران جوان سندیکاهای سازشکار نیستند.

برزیل - در حالیکه ژنرال "فی گردو" " خود را - برای احراز مقام ریاست جمهوری

## اعتصابات بخشهای خدمات عمومی دانمارک رافع کرده است

این اعتصابات از یک سو بمنظور اعتراض به نحوه مذاکراتی است که با وزیر دارائی در مورد تجدید قرارداد های دسته جمعی صورت گرفته است و از سوی دیگر اعتراض به پایین بودن حقوق کارکنان بخشهای خدمات عمومی نسبت به کارکنان بخش خصوصی است قابل توجه است که در دانمارک، کارکنان بخش خدمات عمومی از نظر قانون حق اعتصاب ندارند.

دانمارک - کپنهاگ - روز ۲۴ اسفند بیش از هفتصد هزار کارمند و کارگر بخشهای عمومی، دست به یک سری اعتصابهای بی سابقه و پردامنه ای زدند که کشور را فلج کرد. کارمندان پست دست از کار کشیدند. اتوبوسها متوقف شدند. معلمان در کلاسها حاضر نشدند، کارکنان بیمارستانها دست از کار کشیدند و حتی کلانتریها از پاسخ به تلفن خودداری کردند.

اول ماه مه راه چیه باشکوهتر برگزار کنیم



### درد به روان پاک شهدای بخون حفته خلق

مردم مبارز بسندج همانطوریکه اطلاع دارید عوامل شناخته شده ارتجاع در ادامه تحریکات وتوطئه چینیهایشان که از مدت‌ها پیش جریان داشت سرانجام توانستند به هدف ضد مردمی خود یعنی تحمیل یک جنگ ناخواسته به مردم ماجامه عمل ببوشانند. آنها با تحریک نظامیان و وادار کردن آنها به شلیک به روی مردم و کشتار بی محابای خلق نه فقط طبق معمول برضد مردم اقدام نمودند بلکه بر علیه تصمیمات متخذه از طرف دولت آقای بازرگان که خودشان را مجری سیاستهای ایران معرفی کرده‌اند عملاً موضع گرفتند.

مردم مبارز بسندج از آنجائیکه تامین منافع عوامل ارتجاع در ادامه یافتن جنگ خونین و هر چه بحرانی تر کردن وضعیت کنونی است چرا که نمره آن در شرایط کنونی قطعاً بسود خلق نیست نتیجتاً بنفع خلق و کلیه گروه‌ها و سازمانهای انقلابی که در راه تحقق حاکمیت خلق گام بر میدارند در خنثی کردن هر چه سریعتر این توطئه ها و پاپان بخشیدن به این جنگ تحمیلی است. از اینرو ما خود را موظف میبینیم در این لحظه حساس نقش و موضع خودمان را در قبال وضعیت پیش آمده شرایط کنونی سریعاً بیان نمائیم.

ما به هیچ وجه در آغاز این درگیری خونین که ماهیت آغازگران آن برای ما روشن و نتایج وخیم سیاسی - نظامی آن بسیار واضح بوده شرکت نداشتیم ولی در ادامه کشتاری بی محابای خلق نظر به اعتقادیکه همیشه به دفاع از مردم داریم ، با این موضع که هر چه سریعتر جنگ خونین را متوقف و اوضاع را کنترل و آرام نمائیم در کنار مردم قرار گرفتیم. اینک ما در پیگیری برای یافتن یک راه حل منطقی با پیشنهاد آیت اله شیخ عزالدین حسینی ، روحانی مبارز و مترقی مواجه شده ایم ، که خواهان آتش بس فوری و پایان دادن به جنگ گردیده است. ما از آنجائیکه اعتقاد داریم که این دعوت انگیزه مردمی دارد ، لذا با تمام وجودمان پشتیبانی خویش را از این پیشنهاد اعلام داشته و تمام امکانات خود را در راه پیاده کردن و عملی نمودن طرح پیشنهادی بکار میگیریم. ما با تاکید بر همکاری و همگامی کلیه نیروهای انقلابی که موضع همیشگی ما است ، بطور جدی از همه گروه‌ها و سازمانهای مترقی و همچنین از کلیه میهن پرستان مبارز می‌خواهیم که با تعمق بیشتر در اوضاع کنونی ، نقش انقلابی خود را در خنثی کردن توطئه های ارتجاع که چیزی جز زمینه سازی برای یورش وسیع امپریالیسم و ارتجاع داخلی نیست ، بطور قاطع ایفا نموده و پشتیبانی خود را از خواستهای مردم و فوری مردم قهرمان بسندج اعلام دارند.

- ۱- آزادی کلیه بازداشت شدگان در پادگان.
- ۲- تضمین از سوی مقامات پادگان در مورد متوقف شدن جنگ در همه اشکال آن.
- ۳- تامین جانی و شفلی نظامیانی که با تیرک پادگان هوشیارانه نشان دادند که به ماهیت توطئه های ضد مردمی بی برده و حاضر نشدند برادران خود را به رگبار گلوله ببندند.
- ۴- مجازات فوری کسانی که عامل تحریک و توطئه بودند.

۵- ادامه کنترل شهر توسط رزمندگانیکه هم اکنون محافظت شهر را بر عهده دارند و ایجاد فوری زمینه مناسب برای بوجود آوردن یک ارگان اجرایی مردمی برای کنترل و اداره امور شهر.

تنگ بر توطئه چینیان و مزدوران برقرار باد حاکمیت خلق  
سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران - شاخه -  
کردستان ۵۷/۱۲/۲۹

### مادستور حمله به هیچیک از پادگانها را نداده ایم

" صدا و سیما انقلاب اسلامی ایران " از قول خبرگزاریهای خارجی اعلام کرد که بسندج ، گنبد و برخی از مناطق دیگر توسط سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران تسخیر شده است. برای ما این سخنان مطرح است که چرا " صدا و سیما " انقلاب اسلامی ایران " بجای آنکه اخبار واقعی حوا دت کردستان و گنبد کاوس را که تا کنون صدها تن کشته و زخمی داشته است پخش کند ، اخبار تحریک آمیز و دروغین خبرگزاری های خارجی را که در پی ایجاد جنگ داخلی و تحکیم مجدد سلطه امپریالیسم در ایران هستند ، منتشر نیکند ؟ آیا پخش اینگونه اکاذیب خبرگزاریهای خارجی ، بدون پخش اخبار واقعی به توطئه گران کمک نمیکند و خود تحریک تجدیدی را در پی نخواهد داشت ؟

### از سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران به نخست وزیر

چنانکه اطلاع دارید ، تحریکات عوامل شناخته شده ارتجاع ، مردم غیور بسندج راه درگیری مسلحانه کشانیده است. این عوامل که خود را در وقوع جنگ داخلی دیده اند و متأسفانه در دستگاه دولت هم کس نیستند ، میخواهند با تحریک نظامیان ، به شلیک به سوی مردم و کشتار بی محابای خلق ، عملاً مردم را به جنگی ناخواسته بکشانند.

آقای بازرگان ، شما چگونه اجازه میدهید عوامل شناخته شده ای که اسباب کشتار مردم را فراهم کرده و وسیل خون به راه انداخته اند ، اعلامیه های تحریک آمیز صادر کنند ، آتش جنگ را برافروزند و خشم و نفرت مردم بسندج و خلق کرد را برانگیزند ؟ باتوجه به این حقایق ، سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران اعلام میدارد که به هیچوجه در آغاز درگیریهای خونین روزهای اخیر بسندج ، شرکت نداشته و ادامه کشتار مردم را که از جانب عوامل ارتجاع دامنه زده میشود خیانت به خلق و خیانت به انقلاب میدانند. از این رو سازمان موکداً ، از دولت میخواهد که هر چه زود تر و به هر وسیله ممکن که در اختیار دارد ، دستور آتش بس ، قطع جنگ و قطع کشتار مردم شهر را صادر نماید. لازم به تذکر است که از امروز صبح چهارهلی کوپتر با پرواز بر فراز شهر و پادگان به کشتار وسیع و بی رحمانه مردم پرداخته اند. کشتار تا این لحظه به بهای جان بیش از صد نفر از خواهران و برادران هم میهن کرد تمام شده و صدها مجروح برجای نهاده است. دولت موظف است هر چه زود تر برای قربانیان و قایع روزهای اخیر و کمکهای فوری به آنها اقدام نماید. ۵۷/۱۲/۲۸

### پیام به کارگران صنعت نفت

بمناسبت سالروز ملی شدن نفت ساختن ایرانی آزاد و دموکراتیک ، قطع کامل کنترل و تسلط امپریالیسم بر منابع ثروت و درواص آن صنعت نفت ، آرمان همیشگی و یکی از اهدافی عمده انقلاب است. در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ما ، نخستین طلیعه حاکمیت ملی با تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ، به کوشش و مجاهدت دکتر محمد مصدق پایدار شد.

در انقلاب شکوهمند خلقهای ما ، اعتصاب همگانی کارگران صنعت نفت و قطع صدور نفت به همراه نقشی که کارگران و زحمتکشان در قیام بعهدہ داشتند ، در خلق پد از غارتگران خارجی و شرکای داخلی آنان ، در عقب راندن امپریالیسم و درهم شکستن نظام منغور و بوسیده شاهنشاهی نقشی سرنوشت ساز ایفا کرد. به روشنی این نکته اثبات شده که طبقه کارگر میهن ما قادر است حاکمیت واقعی خلق را بر منابع ثروت ملی تامین نموده و دست بیگانگان و شرکای آنان را از صنعت نفت و بطور کلی از میهن ماکوتاه سازد اقدام انقلابی کارگران ، برای بدست گرفتن اداره و کنترل امور صنعت نفت به اعتراف امپریالیسم و نوکران داخلی آنان ، بیانگر توانائی طبقه کارگر در پایان بخشیدن به غارت و چپاول منابع ثروت ملی و رهائی میهن از تسلط امپریالیسم است.

سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران ، با ایمان و اعتقاد به توان انقلابی طبقه کارگر در تحقق آرمانهای اساسی خلقهای میهن ما ، سالروز ملی شدن صنعت نفت راه کارگران و سایر زحمتکشان تهنیت میگوید ، اعتقاد دارد که اداره و کنترل صنعت نفت باید به نفت گران سپرده شود. با امید به اینکه آرزوی همه زحمتکشان در بزرگداشت یکی از روزهای ملی و تاریخی میهن ما ، معنی واقعی خود را با یاد. ۵۷/۲۱/۲۹

### پیام کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

چرا در فراندیم شرکت نمیکیم؟  
پیام کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن  
مردم مبارز ترکمن صحراء  
کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن وابسته به " ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحراء " موظف است که موضع خود را نسبت به شرکت یا عدم شرکت در فراندیم روشن کند.

" مادر فراندیم شرکت نمیکیم " عدم شرکت مادر فراندیم آنطور که مرتجعین تبلیغ میکنند بمنزله تأیید حکومت وابسته به امپریالیسم شاه خائن نیست. و حمایت بی دریغ ما از بازپس گرفتن زمینهای غصب شده توسط عمال رژیم سابق بهترین گواه این مدعا است. اینکه اسم حکومت آینده چیست مطرح نیست. مسئله این است که محتوی این حکومت و شکل تحقق آن چیست ؟ آیا حکومت آینده سرمایه های خارجی یا وابسته راملی میکند ؟ آیا اداره آن را به دست شورای منتخب کارگران و زحمتکشان میسپارد ؟ آیا مجلس موسسان را که شوراهای فوق به نسبت جمعیتشان تشکیل میدهند تأیید میکند ؟ آیا طرح حکومت پیشنهادی این مجلس موسسان را تأیید میکند ؟ آیا برابری کامل حقوق زنان با مردان را تأیید میکند ؟ آیا حقوق حقه خلقهای ایران را بر اساس مفاد مندرج در قطعنامه های منتشر شده توسط خلقهای کرد ، بلوچ ترکمن و عرب تأیید میکند ؟

پیش قراولان جمهوری اسلامی تا امروز در قالب کمیته ها و یاسداران ، تمام موارد مذکور را به باز گرفته و گاه مورد حمله قرار داده اند.

ما همچنین جریاناتی را که فرصت طلبانه به دنباله روی از جو سیاسی حاکم به قصد خیزدن در حکومت و کسب گوشه ای از قدرت پرداخته اند شدیداً محکوم مینمائیم و اعلام میداریم که تلاشهای مذبحانه این عناصر فرصت طلب در خلقهای ایران بویزه خلق آگاه ترکمن اثری نداشته و نخواهد داشت.

برقرار باد حاکمیت خلق  
هر چه مستحکمتر باد پیوند خلقهای دلاور  
ایران

۱۳۵۸/۱/۲

" یادبودی بر مزار شهدای سینما رکس آبادان " همزمان با تحویل سال جدید ، گورستان آبادان شاهد پرشورترین تجلیل های از شهدای سینما رکس بود. نماینده سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران ضمن شرکت در این مراسم با پیامی به خانواده شهدا یاد آنها را گرامی داشته و خواستار مجازات مسببین این فاجعه ننگین شد.

اول ماه مه را هر چه باشکوه تر برگزار کنیم. سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران از تمام سندیکاها و نمایندگان کارگران ، سازمانهای انقلابی کارگری و سازمانهای دمکراتیک و ملی دعوت مینماید تا برای برگزاری مراسم اول ماه مه ( یازدهم اردیبهشت ) روز کارگر با کمیته برگزاری اول ماه مه این سازمان تماس بگیرند. آدرس - خیابان باران - خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد چریکهای فدائیی خلق ایران

ما همانگونه که بارها گفته ایم رویدادهای بسندج ، گنبد و دیگر نقاط میهن را نتیجه تحریکات و دسیسه های نوکران امپریالیسم و عوامل مزدور ساواک که با گشودن آتش به سوی مردم و همراه با پخش شایعات تحریک آمیز ، زمینه جنگ داخلی و کشتار خلقهای ایران را بوجود میاورند ، میدانیم. مسلم بدانیم که از تشدید هر نوع درگیری و مخاصمه بیین صفوف مردم تنها و تنها دشمنان خلقها سود خواهند برد. یک بار دیگر با صراحت و قاطعیت تمام اعلام میکنیم که سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران دستور حمله به هیچ یک از پادگانها و مراکز نظامی دیگر را صادر نکرده و نمیکند. ما همواره در برابر توطئه های ارتجاع و امپریالیسم ، در کنار مردم تا آخرین قطره خون خود ، از منافع خلقهای ایران دفاع خواهیم کرد.